

Research Paper

Designing Public Participation Model in Iranian Educational Policies



Hamidreza Ebrahimikiasari¹ , *Seyyed Mehdi Alvani² , Gholamreza Memarzadeh²

1. Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

2. Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.



Citation Ebrahimikiasari H, Alvani SM, Memarzadeh Gh. (2023). [Designing Public Participation Model in Iranian Educational Policies (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 12(46), 66-93. <https://doi.org/10.22034/sspp.2023.562459.3291>

<https://doi.org/10.22034/sspp.2023.562459.3291>



Received: 17 Feb 2023

Accepted: 04 Mar 2023

Available Online: 01 May 2023

Key words:

Public Participation, Educational System, Meta-Synthesis, Interpretive-Structural Modeling, Public Policy Making.

ABSTRACT

In recent decades Iranian public education system faced enormous challenges in the area of planning, performance, and interaction among stockholders. Nevertheless, through gaining the trust of parents and attracting their efforts, there will be a novel approach to the issues. This research aims to address educational policy issues through public participation in the period of seventh national development plan. By implementing a multi-method approach, a qualitative method, the meta-synthesis had been used to identify the main components of participation. Initial findings were citizen's empowerment and beliefs, justice, information flow, quality and quantity of information, executive agencies, legal support, social factors, and the impacts of previous policies. The qualitative-quantitative method, ISM, then, has been used to discover the final model. In the final model, a five-level shape appeared. It is inferred from this model that achieving cooperative education requires improving a network of interrelated factors. In this network, the factors strengthen each other at different levels so that the education system of the country is ready for the participation of citizens and maximum interactions of different institutions of the society from the social, governance and citizenship aspects. In this model, social trends are the beginning of attracting and shaping the laws that support participation. These rules specify the basic needs, forms and means of participation. Based on the MICMAC analysis, the government in the link cluster includes participatory justice so that citizens are able to participate in the improvement and effectiveness of the education system with their own dynamics.

* Corresponding Author:

Seyyed Mehdi Alvani

Address: Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

E-mail: alvani@ias.ac.ir

مقاله پژوهشی

طراحی الگوی مشارکت شهروندان در خطمشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران

حمیدرضا ابراهیمی کیاسری^۱، * سید مهدی الوانی^۲، غلامرضا معمارزاده^۳

۱. دانشجوی دکترا، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۲. گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران.

چیکید

تاریخ دریافت: ۲۸ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

آموزش و پرورش ایران در دهه اخیر با چالش‌ها و مشکلات فراوانی در حوزه برنامه‌ریزی، بهره‌وری و تعامل میان ذی‌نفعان مواجه بوده است، اما می‌توان از طریق تحول خطمشی‌ها با رویکرد جلب اعتماد والدین و جذب مساعی ایشان رویکردی نوین به مسائل این حوزه داشت. این پژوهش با هدف مدل‌سازی مشارکت شهروندان در خطمشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران هم‌زمان با تدوین برنامه هفتم توسعه انجام گرفته است. راهبرد اجرای این پژوهش، راهبرد چندروشی است. در مرحله اول از روش کیفی فراترکیب برای شناسایی مقوله‌های اصلی مشارکت استفاده شد. یافته‌های حاصله از روش فراترکیب حاکی از وجود مقوله‌های توانمندی شهروندان، باور شهروندان، عدالت، گردش اطلاعات، کمیت و کیفیت اطلاعات، تشکیلات اجرایی، حمایت قانونی، عوامل اجتماعی و پیامد خطمشی‌های پیشین بوده است. بعد از آن به‌منظور تبیین ساختار روابط بین عوامل و ارائه الگو، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد که مدلی ۵ سطحی نمایان شد. از این مدل استنباط می‌شود که دستیابی به آموزش و پرورش مشارکتی، نیازمند بهبود شبکه‌ای از عوامل همبسته است. در این شبکه، عوامل یکدیگر را در سطوح مختلف تقویت می‌کنند تا نظام تعلیم و تربیت کشور از جنبه‌های اجتماعی، حاکمیتی و شهروندی، آماده مشارکت شهروندان و صحنه تعاملات حداکثری نهادهای مختلف جامعه باشد. در این مدل روندهای اجتماعی سرآغاز جذب و شکل‌دهنده به قوانین حمایت‌کننده از مشارکت هستند. این قوانین، نیازهای بنیادین، شاکله‌ها و ابزار مشارکت را مشخص می‌کنند. در سطح بعد، براساس تحلیل میک‌مک، دولت در خوشه پیوندی متضمن عدالت مشارکتی است تا شهروندان بتوانند با پویایی‌های خود در بهبود و اثربخشی نظام تعلیم و تربیت مشارکت کنند.

کلیدواژه‌ها:

مشارکت شهروندان، آموزش و پرورش، فراترکیب، مدل‌سازی ساختاری تفسیری، خطمشی‌گذاری عمومی

* نویسنده مسئول:

سید مهدی الوانی

نشانی: قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، گروه مدیریت دولتی.

پست الکترونیکی: alvani@ias.ac.ir

مقدمه

بر خط‌مشی تأثیر گذار است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین پست‌مدرنیسم به‌عنوان فلسفه فکری غالب عصر جدید، شرایط اداره داخلی کشورها را به صورتی توصیف می‌کند که بر کثرت‌گرایی و مشارکت تأکید دارد، یا حداقل اینکه نتیجه این کثرت‌گرایی و مشارکت به فعالیت گسترده بازیگران غیردولتی خواهد انجامید. در این رویکردهای جدید ارزش‌هایی ورای کارایی و اثربخشی (مخصوصاً ارزش‌های دموکراتیک) برجسته هستند (برایسون، کراسبی و بلومبرگ، ۲۰۱۴: ۴۴۷). با این حال در بررسی‌های خط‌مشی‌گذاران نسبت به مشارکت، علاوه بر دموکراتیزه شدن جامعه، از مشارکت به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به منابع شناختی و سیاسی شهروندان نام برده شده است. منابع شناختی شامل تمامی اطلاعات، تجربیات زیسته و بینش‌های شهروندان است و منابع سیاسی شامل تمامی قدرت‌های قانونی و فراقانونی آنان در تحولات اجتماعی و اداره عمومی است (بویو، ۲۰۱۹: ۴۲).

آمارهای ارائه‌شده از طرف سازمان‌های رسمی نشان‌دهنده افول اثربخشی نظام‌های آموزشی در کشور است. طبق گزارش مرکز آمار ایران در گزارش نتایج تفصیلی طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۴۰۰، جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی بیش از ۱۴ میلیون نفر بوده است که سهمی بالغ بر یک‌ششم جمعیت کشور را شامل می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). نکته قابل تأمل در این آمارها سهم ۴۷ درصدی بیکاران با مدرک دانشگاهی است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). اما در میان شاغلان هم آمارهای نگران‌کننده دیگری وجود دارد. براساس داده‌های ارائه‌شده در گزارش مرکز آمار ایران به‌صورت میانگین عدم تطبیق مدارک دانشگاهی با

خط‌مشی‌های عمومی شرح مفصلی از فعالیت‌های نظام‌های اداری، قضایی و تقنینی کشورهاست که آثار و پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی را در پی دارد. قلمرو شمول این خط‌مشی‌ها متفاوت است و ممکن است ذی‌نفعان این حوزه محدود به همسایگان یک حوزه آبخیز باشند یا اینکه نظام پرداخت یارانه‌ای باشد که همه افراد جامعه را متأثر می‌کند. طبیعتاً ذی‌نفعان یک تصمیم یا اقدام، براساس نظر خود نسبت به آن واکنشی را از خود نشان می‌دهند. این بازخوردها ممکن است اشکال مختلفی در طیف گسترده‌ای از اعمال، از اظهار نظر صرف تا اقدامات عملی خارج عرف، از موافقت شدید تا مخالفت شدید و یا حتی تقابل گروه‌های مردمی یا مردم و دولت به خود بگیرد. فرصت مشارکت مردم در سازمان‌های دولتی و مسئله خط‌مشی‌گذاری عمومی، می‌تواند به نوعی دموکراتیزه شدن بنیادی منجر شود و شهروندان را از حالت بی‌تفاوتی نسبت به دولت خارج ساخته و آن‌ها را متعهد به سرنوشت خود در جامعه می‌کند (الوانی، ۱۳۸۱). اگر اجازه دهیم شهروندان دستی در حکومت داشته باشند، به آن‌ها فرصت بالنده شدن داده‌ایم و نیروی عظیمی را برای پیشبرد اهداف دولتی بسیج کرده‌ایم (الوانی، ۱۳۸۱).

در دهه کنونی تفکرات مدیریت دولتی نیز حکایت از حرکت از رویکرد نهادی حکومت (رویکرد قانون‌گذاری بالا به پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها به شکل مشخص و کاملاً جزئی است) به سمت حکمرانی یا همان جایگزینی «اعمال قدرت بر» با «واگذاری قدرت به» دارد (فطانت‌فرد حقیقی و همکاران، ۱۴۰۰). در مدل فرایند سیاسی، خط‌مشی‌گذاری گروه‌های ذی‌نفع در ۲ گروه حمایت‌کننده‌ها و مخالفان بر موازنه اقتدار حاکم

نمایندگان و وجود ندارد و نمایندگان نیز در فرایندها یا رویه‌هایی غیرمشارکتی ممکن است درگیر شوند و تنها در مسائلی خاص و نه‌چندان بنیادین همانند نحوه اجرای برنامه‌های مناسبی مشارکت کنند (شهریاری، ۱۴۰۰).

علی‌رغم اینکه بحث در حوزه مشارکت، بسیار مورد توجه جامعه علمی کشور قرار گرفته و مقالات مناسبی در حوزه‌های عمومی یا اختصاصی مشارکت دیده می‌شود، مقوله مشارکت در حوزه اختصاصی آموزش و پرورش مغفول مانده و آثار علمی بسیار اندکی از شناسایی شرایط کنونی مشارکت و راه عبور از این چالش ارائه شده است. با بررسی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی مشخص شد که حدود ۱۷۰ پژوهش در حوزه مشارکت شهروندان در کشور تا به حال انجام پذیرفته که تنها ۲ مورد در حوزه آموزش و پرورش بوده که به بیش از ۲۰ سال پیش بازمی‌گردند و ۱ پژوهش با رویکرد انتقادی و دیگری تحلیلی بوده است. ازین‌رو در این پژوهش مدلی برای مشارکت شهروندان را با رویکرد چندروشی در نظام آموزش و پرورش ایران در محدوده زمانی برنامه هفتم توسعه ارائه می‌شود.

به‌منظور تحقق این هدف، سامان‌دهی ساختار مقاله به این صورت است که در بخش اول خط فکری ادبیات و پیشینه‌های داخلی و خارجی بررسی شد. بخش دوم به روش‌شناسی پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم یافته‌های پژوهش حاصل از اجرای ۲ روش تحقیق فراترکیب و مدل‌سازی ساختاری تفسیری ارائه شد. بخش چهارم به بحث درمورد یافته‌ها و بخش پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص یافت و درنهایت پیشنهادها و سیاستی ارائه شده است.

گروه شغلی ۷۰ درصد و در بعضی رشته‌ها تا ۹۰ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱:۱۱) که با این عدم تطبیق رشته تحصیلی، هدررفتن سرمایه‌گذاری در مقوله سرمایه‌انسانی مشخص می‌شود.

اگر به بررسی وضع کنونی مشارکت در نظام تعلیم و تربیت کشور بپردازیم قسمت اعظم فعالیت‌های مشارکتی این حوزه مربوط به کمک‌های خیرانه مردم به‌صورت اهدا زمین، ساخت مدارس و تأمین تجهیزات مدارس است. باید این موضوع را مد نظر قرار داد که محدود کردن مشارکت به بخش خصوصی و سلطه نگاه اقتصادی بر آموزش و پرورش، نمی‌تواند ضمانت‌کننده نجات از بحران‌های آموزش و تأمین ارزش‌های تربیتی و عدالت باشد (فاضل و همکاران، ۱۴۰۱). مشارکت شهروندان در نظام آموزشی و پرورشی، به‌عنوان چتری که ارزش‌ها، اهداف و مساعی دولت و شهروندان را در لوای خود منطبق و همسو می‌کند، مقوله‌ای مهجور در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور است و اندک توجه به آن نیز متأسفانه با اشتباهی عمیق در درک مفهوم و کاربرد مشارکت همراه بوده است. معنای مشارکت در وزارت آموزش و پرورش به اداره مدارس غیرانتفاعی و آموزشگاه‌های علمی آزاد تقلیل یافته که از حیث دیدگاه‌های اجتماعی نتیجه عدم مشارکت است و کارکردی ضد‌مشارکتی دارد. این نوع عملکرد ناشی از دیدگاه‌های اقتصاد کارکردگراست که در آن عدالت به‌عنوان یکی از ارزش‌های اجتماعی و انسانی، یا مطرح نشده است یا به‌عنوان رقیب مشارکت مطرح شده است (فاضل و همکاران، ۱۴۰۱). در نظام تعلیم و تربیت کشور ابزارهای خاصی برای مشارکت وجود ندارد و در مدارس جلسه عمومی اولیا و مربیان تنها ۱ بار در سال برگزار می‌شود که نمایندگانی انتخاب می‌شوند و عملاً ارتباط قابل‌وصفی بین مابقی اولیا و

۱. پیشینه پژوهش

منشأ مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دموکراسی در یونان باستان بر میگردد و در قرن‌های بعد در معرض تغییر مداوم بوده است (ونگر، وگت و کابست، ۲۰۱۶: ۴۳۵). طی دهه‌های گذشته، شهروندان در اکثر کشورهای پیشرفته در فراگرد خط‌مشی‌گذاری ورود پیدا کرده‌اند و دولت‌ها نیز با در پیش گرفتن رویکرد مشارکتی، از مردم در حوزه‌های مختلف حکمرانی، به‌ویژه در نظام بودجه‌ریزی مشورت گرفته‌اند (میشل و دی گراف، ۲۰۱۰: ۴۷۷). انقلاب ارتباطات و ظهور شبکه‌ها نیز با بهره‌گیری از ابزارهای الکترونیک، موجب تقویت مشارکت سیاسی و پیوند افقی میان شهروندان، سبب ساختارشکنی دولت و بازسازی حکمرانی از طریق بازآفرینی و شکوفایی آن شده است و از طریق تسهیل، انتشار و اصلاح اطلاعات و امکانات برای تشکیل منظومه‌های تعاملی و مباحثه‌ای فرصت‌های فراوانی فراهم آورده است (جمالی و همکاران، ۱۳۹۶). در حوزه تخصصی نظام آموزشی و پرورشی، تغییر نقش دولت، باعث بازبینی و آرایش مجدد مؤلفه‌های سهیم‌شونده در آموزش و پرورش شد و به تدریج مفاهیم، پروژه‌ها و برنامه‌های متعددی وارد جریان سیاست‌گذاری آموزشی شدند. ورود مفاهیم مشارکت و انتخاب والدین و برنامه‌هایی همچون مدیریت مدرسه‌محور، بازاری شدن آموزش و پرورش، خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، همکاری بخش خصوصی و دولتی در آموزش به عرصه سیاست‌گذاری‌های آموزشی، حاصل بازبینی‌ها در مؤلفه‌های آموزش و پرورش رسمی بوده است (فاضل و همکاران، ۱۴۰۰).

کشورهای پیشرو در زمینه جلب مشارکت شهروندان در نظام آموزشی اهداف متنوعی را

متناسب با نظام حکمرانی و میزان استقلال مدارس و مسائل اجتماعی مختص خودشان دنبال می‌کنند. یکی از عرصه‌های مورد توجه مشارکت شهروندان در آمریکا، حوزه نظام آموزشی است. اهداف نظام آموزشی این کشور در جلب مشارکت شهروندان شامل درگیر کردن خانواده‌ها در یادگیری دانش‌آموزان، امور مالی و بودجه‌ریزی، منطقه‌بندی کردن مدارس، ارزیابی و استانداردسازی، پوشش شکاف‌ها در دستاوردها، امنیت دانش‌آموزان و مسئله زورگویی است. راه‌های بهبود مشارکت در این کشور نیز توانمندسازی رهبران و توسعه شبکه‌ها، انتشار اطلاعات، دریافت اطلاعات از جامعه، توانمندسازی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، فعال‌سازی تصمیم‌گیری جمعی، تشویق به فعالیت اجتماعی و درنهایت حمایت از نهادهای مردمی مشارکت از طریق حمایت قانونی و سیستمی عنوان شده است (نیاتچی و لگنینگر، ۲۰۱۵: ۱۰۹). کشور انگلستان نیز از طریق توسعه ارتباطات خود، به‌کارگیری یک استراتژی پایین به بالا در تعریف مشکلات توسط افراد محلی، درگیر کردن افراد محلی در اجرا و توسعه شبکه‌های اولیا توانسته موفقیت مناسبی در نظام آموزشی خود پیدا کند (لال و همکاران، ۲۰۱۴: ۲). این تفاوت راهکارها و اهداف در مشارکت شهروندان در نظام آموزشی در کشورهای موفق نشان می‌دهد که برای توفیق در مشارکت شهروندان نیاز داریم تا یک مدل بومی برای مشارکت ارائه دهیم تا بتوانیم براساس فرهنگ و زمینه‌های اجتماعی و امکانات موجود و همچنین ساختار حکمرانی متمرکز کشور، اقدامات لازم را انجام دهیم.

در بررسی پیشینه‌های داخلی مرتبط با حوزه مشارکت شهروندان؛ قربانی‌زاده و همکاران، در طراحی الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری

باتوجه به اینکه اکثر پیشینه‌های موجود و تحقیقاتی که تاکنون در حوزه مشارکت شهروندان انجام پذیرفته به ماهیت اصلی مشارکت پرداخته‌اند و با مروری بر سیر تاریخی مشارکت ارائه کردند و نقشه راه بومی مناسب در حوزه آموزش و پرورش وجود ندارد، در این پژوهش سعی بر آن شد مشارکت شهروندان در این حوزه از منظر جدیدی بررسی شود تا بتوان از این مسیر نکات مغفول و مؤثر را کشف کرد و مدل بومی مشارکت شهروندان در نظام آموزشی و پرورشی ایران را ارائه داد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر باتوجه به فلسفه، سؤالات و اهداف پژوهش، پژوهشی توسعه‌ای و کاربردی است. به‌منظور دستیابی به این اهداف، با استفاده از استراتژی ۲ مرحله‌ای و به‌کارگیری روش‌های کیفی و کمی، نقشه راه پژوهش طراحی و پیاده‌سازی شد. در مرحله اول به‌صورت کیفی و کتابخانه‌ای با استفاده از داده‌های ثانویه با رویکرد فراترکیب، مطالعه منابع اطلاعاتی حوزه مشارکت شهروندان صورت گرفته است. فراترکیب، یکی از انواع فرامطالعه است که با مرور نظام‌مند منابع برای پیدا کردن، ارزشیابی، ترکیب و در صورت نیاز جمع‌بندی آماری، به تحقیقاتی می‌پردازد که قبلاً پیرامون یک موضوع خاص به رشته تحریر درآمده‌اند (محسنی کیاسری و همکاران، ۱۳۹۶). فراترکیب مستلزم بازنگری دقیق و عمیق مطالعات گذشته و ترکیب نتایج آن‌هاست (زیمر، ۲۰۰۶: ۳۱۳). هدف فراترکیب ایجاد تفسیری نوآورانه و منسجم از یافته‌های کیفی است؛ چراکه تحقیقات متعدد و موردی به دلیل حرکت در چارچوب‌های ساختاری و رشته‌ای، قادر به عرضه چنین بینشی نیستند (کمالی، ۱۳۹۶).

عمومی با رویکرد چندروشی، مدلی مرحله‌ای با ۵ پدیده ارائه کردند. براساس الگوی پژوهش، پدیده محوری، مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری عمومی است و شرایط علی که موجب ایجاد مفهوم مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری می‌شود از ۳ مقوله عوامل ساختاری، اقتصادی و رفتاری تشکیل شده است. شرایط زمینه‌ای دربرگیرنده ۲ مقوله میزان باز بودن فضای سیاسی و سطح فناوری است. شرایط مداخله‌گر از ۲ مقوله اراده سیاست‌مداران برای مشارکت و تقاضای عمومی برای مشارکت تشکیل شده است (قربانی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین فاضل و همکاران در بررسی جایگاه مشارکت و ابعاد آن در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مسیر تحقق مشارکت براساس اسناد فرادستی را این‌طور ارائه کردند که مبانی مشارکت منجر به تولید اصول مشارکت هستند. اصول مشارکت تبیین‌کننده الزامات و ضرورت‌های مشارکت، و سیاست‌های سوق‌دهنده به‌سوی مشارکت است. این سیاست‌ها تعیین‌کننده مدل‌های مشارکت و عرصه و عوامل مشارکت خواهند بود (فاضل و همکاران، ۱۴۰۰). در بررسی تحلیلی سیاست‌های گسترش مدارس در ایران در ۴ دوره تاریخی نظام آموزش و پرورش ایران از دوره پیش از مشروطیت تا حاکمیت جمهوری اسلامی، گفتمان غالب سیاست‌های گسترش گونه‌های مدارس، بر ۲ بُعد عدالت آموزشی و مشارکت همگانی متمرکز بوده است. بنابراین نیاز به تخصص، قانون‌مدار کردن سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با آموزش و پرورش و جبران عقب افتادگی‌ها و تلاش در رفع بی‌سوادی جامعه به‌عنوان عوامل اتخاذ سیاست گسترش گونه‌های آموزش و پرورش مطرح شده است (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۱).

مقالات علمی مرتبط با هدف دست یابد. در این پژوهش با مراجعه به پایگاه‌های علمی بین‌المللی گوگل اسکالر، جی‌استور، تیلور و فرانسیس، ویلی آنلاین و پایگاه‌های داخلی مجلات تخصصی نور، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به ۱۱۸ منبع علمی دست یافته شد.

ج) جست‌وجو و انتخاب متون: پس از گردآوری فراگیر منابع، در ۳ مرحله پالایش می‌شوند تا منابع پژوهش به دست آیند: ۱. بررسی عنوان و کلیدواژه‌ها؛ ۲. بررسی چکیده و نتیجه‌گیری؛ ۳. بررسی تفصیلی متن مقاله (سیدی و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر، طی مراحل مذکور، به ۶۲ منبع مرتبط با موضوع تحقیق دست یافته شد.

د) استخراج اطلاعات متون: در این مرحله یافته‌های پژوهش در جداول دسته‌بندی می‌شوند. این جداول شامل انواع مقوله‌های فرعی و منابعی است که آن‌ها را معرفی کرده‌اند. اطلاعات این مرحله در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

ه) تجزیه و تحلیل ترکیب‌های یافته‌شده: در این مرحله پژوهشگر با مذاقه در مقوله‌های فرعی یافته‌شده از متون پژوهش به دنبال مقولاتی است که طی فراترکیب پدیدار می‌شوند. این عمل با طبقه‌بندی داده‌ها و مقولات فرعی انجام می‌شود و پدیدآور مقولات اصلی است. در این پژوهش باتوجه‌به معنا و مضمون مقولات فرعی و طبقه‌بندی آن‌ها براساس تشابه مفاهیم به ۹ مقوله اصلی دست یافته شد.

و) پایش کیفیت: تأیید اعتبار در این مرحله از طریق جامعیت تعداد منابع، استفاده از منابع برجسته، ارائه تفصیلی یافته‌ها و تأیید خبرگان و صاحب‌نظران احراز شد.

پس از شناسایی مقوله‌های فرعی و رسیدن به مقوله‌های اصلی تحقیق نوبت به بخش کیفی کمی تحقیق می‌رسد. در این بخش با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری به نحوه تأثیر و تأثر مقوله اصلی مستخرج از قسمت اول پژوهش خواهیم پرداخت که خروجی نهایی این پژوهش خواهد بود. محاسبات کمی این روش نیز با استفاده از قابلیت‌های کدنویسی نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۹ انجام پذیرفت. در واقع مدل‌سازی ساختاری تفسیری یک فرایند متعامل است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با همدیگر در یک مدل سیستماتیک جامع ساختاردهی می‌شوند (وارفیلد، ۱۹۷۴: ۲۸۱).

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. بخش اول فراترکیب

همان‌طور که ذکر شد، از روش لیپسی و ویلسون برای اجرای بخش فراترکیب این پژوهش استفاده شد. الگوی اجرایی این روش شامل ۷ مرحله است که در ادامه مراحل شرح داده شده و نتایج هر مرحله بیان می‌شود.

الف) تعیین پرسش تحقیق: برای تعیین پرسش از عناصر متعددی، مانند جامعه مورد مطالعه، چپستی، زمان و چگونگی استفاده می‌شود. در این پژوهش باتوجه‌به هدف تحقیق، پرسش پژوهش این‌گونه طرح شد: «مطالعات گذشته چه عواملی را بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های عمومی مؤثر می‌دانند؟»

ب) مرور نظام‌مند مطالعات: داده‌های فراترکیب از متون پژوهش‌های گذشته استخراج می‌شود. بنابراین پژوهشگر باید با انتخاب درست کلیدواژه‌های جست‌وجو در پایگاه‌های علمی به

ز) ارائه یافته‌ها: در این گام، یافته‌های فراترکیبی در قالب جدول شماره ۱ ارائه شد.

۳-۲. روایی و پایایی

در این پژوهش پس از اینکه اطمینان در مورد کمیت و کیفیت تعداد منابع حاصل شد، برای اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش با ارائه همه یافته‌ها زمینه انتقال‌پذیری داده به‌خوبی محیا شد. زیرا استفاده از اجزا و عوامل مدل‌های پیشین خود به روایی مدل منجر می‌شود. در جنبه بعدی تأیید اعتبار نیز جلسه‌های گروه‌های کانونی تشکیل شد و در این جلسات، یافته‌های فراترکیب به ۵ نفر از خبرگان حوزه سیاست‌گذاری، مدیریت و علوم تربیتی که همگی دارای مدرک دکترا بودند و همچنین به ۳ نفر از مدیران ارشد دستگاه تعلیم و تربیت که سابقه مدیریت ایشان بالاتر از ۵ سال بوده است، ارائه شد. در این جلسات نیز یافته‌های روش و نحوه ترکیب مضامین به مقوله‌های فرعی و نهایتاً مقوله‌های اصلی پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور سنجش پایایی مدل، از شاخص کاپا استفاده شده است. بدین‌صورت که شخص دیگری که هم متخصص سیاست‌گذاری علوم تربیتی و هم سابقه مدیریت داشته بدون اطلاع از نحوه ادغام مفاهیم توسط پژوهشگران گروه کانونی، اقدام به دسته‌بندی مضامین کرده است. سپس مقوله‌های ارائه‌شده توسط پژوهشگر با مقوله‌های ارائه‌شده توسط این متخصص مقایسه شده است. درنهایت با مقایسه مفاهیم مشابه و متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، پژوهشگران ۹ مقوله و متخصص دیگر ۸ مقوله ایجاد کردند که از این تعداد ۷ مقوله مشترک بوده است.

براساس محاسبات طبق جدول شماره ۲، مقدار شاخص کاپا برابر ۰/۸ محاسبه شده است که در دامنه بالایی و معتبر این شاخص ($Kappa > 0.6$) قرار می‌گیرد.

۳-۳. یافته‌های روش فراترکیب

پایاده‌سازی این روش با این سؤال که «چه عواملی بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی موثر است؟» آغاز شد. با بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌شده در حوزه مشارکت در حوزه‌های مختلف در پایگاه‌های علمی داخلی و بین‌المللی به ۱۸ مضمون یا مقوله فرعی دست یافته شد. این ۱۸ مقوله اصلی از طریق توجه به مضامین و معنایشان در ۹ مقوله اصلی ترکیب شدند. در ادامه به شرح این ۹ مقوله به اختصار خواهیم پرداخت.

توانمندی شهروندان: این مقوله اصلی از ترکیب ۳ مقوله فرعی مهارت‌های شهروندان، دانش شهروندان و آگاهی شهروندان استخراج شده است. در منابع نیز توانمندی شهروندان را مجموعه‌ای از مهارت‌های ارتباطی، دانش سیاسی و توانایی تفکر نقادانه تعریف کرده‌اند (کامبر، ۲۰۰۳: ۶۴۷). توانمندی شهروندان لازمه حضور ایشان در عرصه‌های اجتماعی است و این توانمندی موجب پویایی و توانمندتر شدن روند مشارکت می‌شود. حوزه تخصصی آموزش و پرورش با توجه به پیچیدگی و چندجانبگی مسائل در آن نیاز دارد تا شهروندان ضمن آگاهی از مسائل پیش‌رو در حوزه تعلیم و تربیت و درک فضای اجتماعی کنونی و پیش‌نگری روندهای اجتماعی آتی، با کسب حدی از دانش تربیتی از طریق مطالعه یا کلاس‌های کارگاهی و غیره و همچنین تقویت و استفاده از مهارت‌های مشارکتی که ذاتاً همان مهارت حضور در اجتماع است، اما در ابعاد کوچک‌تر و تخصصی‌تر؛

این ۲ مقوله را با عنوان گردش اطلاعات ارائه شود. یکی از تعاریف از گردش اطلاعات که مؤید این نگرش است، این‌طور عنوان کرده که: «گردش اطلاعات عبارت است از تبادل اطلاعات بین افراد، فرایندها و نظام‌ها» (اسلک، ۲۰۲۲). گردش اطلاعات را می‌توان نقطه مقابل مسکوت ماندن اطلاعات دانست. مسکوت ماندن اطلاعات در ادارات و مراکز تصمیم‌گیری در قدم اول موجب بی‌اطلاعی شهروندان از پویایی‌های حوزه آموزش و پرورش و پس از مدتی موجب بی‌تفاوتی شهروندان نسبت اصل موضوع تعلیم و تربیت می‌شود. رسانه‌ها توده‌های مردم را بسیج می‌کنند تا اندیشه‌ها و تکنیک‌های جدید را بپذیرند و ساختار را باثبات کنند (پورحسن و فرجوند، ۱۳۹۸). دور از ذهن نیست که شهروندانی که در جریان مسیر تربیتی فرزندان خود نیستند پس از مدتی خنثی‌کننده کوشش‌های نظام تربیتی شوند و با نظر خود سیر آموزشی و پرورشی را بر عهده گیرند که کثرت کلاس‌های خصوصی مؤید این موضوع در جامعه است. بنابراین این گردش اطلاعات هم نشان‌دهنده تلاش‌ها و اهداف نظام تربیتی است و هم در موارد متعدد نقص‌های این نظام را نشان داده است و هم موجب بالاتر رفتن سطح آگاهی عمومی از این حوزه می‌شود.

کمیت و کیفیت اطلاعات: این مقوله اصلی از وجود ۲ مقوله فرعی با نام‌های اطلاعات و شفافیت استنباط و استخراج شده است. بحث‌های زیادی پیرامون اثرگذاری اطلاعات بر فرایند مشارکت انجام شده است. اما در این پژوهش سعی بر آن شده تا نگاهی نوین بر این مقوله انجام شود. وب‌سایت دولت آمریکا شفافیت را پاسخ‌گویی و فراهم کردن اطلاعات برای شهروندان عنوان کرده است و اطلاعاتی را که حاصل از کار دولت است سرمایه ملی و متعلق به

حضور موثر خود را رونق بخشند تا چه در عرصه تصمیم‌گیری‌های عالی و چه فرایند اجرا موجب کارایی و اثربخشی نظام تربیتی شوند.

باورهای شهروندان: باورهای شهروندان از ترکیب ۲ مقوله فرعی انگیزه‌های شهروندان و نگرش شهروندان استنباط شده است. محقق دانشگاه استنفورد در پاسخ به این سؤال که چه عاملی به شهروندان انگیزه مشارکت می‌دهد پاسخ داد: «اولین و اساسی‌ترین پاسخ به این سؤال میل به سعادت‌مندی است» (استریتز، ۲۰۱۸: ۱). همچنین نگرش شهروندان را عامل فعال‌سازی انگیزه آنان می‌توان دانست. در مقاله مک‌داول و مگیل با موضوع منابع و پیامدهای نگرش شهروندان به دولت، شرح بسیطی در این مورد ارائه شده است که در بند ابتدایی آن اشاره کرده‌اند که: «میزان اثرگذاری شهروندان، به نگرششان به دولت‌ها وابسته است» (مک‌داول و مگیل، ۱۹۸۴: ۱۵). نگرش شهروندان و انگیزه ایشان موضوعی آغازین در تصمیم به ورود به عرصه مشارکت است. سؤالات شهروندان از قبیل اینکه «آیا حضور من تأثیر مثبتی روی تربیت دانش‌آموزان جامعه خواهد داشت یا از مسیر منحرفی جلوگیری خواهد کرد یا اینکه آیا حضور من مورد استقبال ساختار آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت یا باعث سرخوردگی ناشی از عدم توجه خواهیم شد؟» منجر به تشکیل یک باور به مشارکت خواهد شد. این باور عاملی تعیین‌کننده در تصمیم به حضور یا عدم حضور است.

گردش اطلاعات: رسانه‌ها و افکار عمومی ۲ مقوله‌ای هستند که در میزان قابل‌توجهی از منابع به اهمیتشان در مشارکت شهروندان اشاره شده است. در این پژوهش با توجه به اهمیت ویژه و تناسب معنایی این ۲ مقوله سعی شد تا با رویکرد ترکیبی،

نقطه مقابل بسیار دیده‌ایم که در انتخاب انجمن‌های مدارس سطح تحصیلات و شرایط مالی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد و متأسفانه صدای بعضی اقشار که اتفاقاً نیاز به توجه عمیق‌تری دارند شنیده نمی‌شود. یا شرایطشان در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ نمی‌شود. مصداق عینی و بارز این موضوع مسئله آنلاین شدن آموزش در دوران همه‌گیری کرونا بود که ابزار اولیه آن که دستگاه‌های الکترونیکی هوشمند هستند که یا در خانواده‌ها نبود یا به تعداد فرزندان خانواده نبود. این مسائل دغدغه‌های متعددی را برای خانواده‌ها ایجاد کرد.

حمایت قانونی: قانون به‌عنوان زیربنا، دستورالعمل تعاملات اجتماعی و نقطه رجوع نقشی اساسی در حمایت از پدیده‌های اجتماعی دارد و بشریت توانسته با وضع قانون هر فضیلت اجتماع مطلوبش را تثبیت کند و خود را از دیگر موجودات متمایز کند. مقوله اصلی مکشوف در این پژوهش از ۲ مقوله مفرعی مشروعیت قانونی مشارکت و قوانین مشارکت استنباط شده است. یک چارچوب قانونی حمایتی را می‌توان به‌عنوان یک بسته شامل قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های مشارکت ملی، دستورالعمل‌های همراه و سایر قوانینی که بر مشارکت تأثیر می‌گذارد، درک کرد (مک‌گی، ۲۰۰۳: ۲۲).

تشکیلات اجرایی: فرایندها، ابزارها، ساختارها و نگرش مدیران ۴ مقوله هم‌راستایی هستند که در این پژوهش یک مقوله جدید با نام تشکیلات اجرایی را بنا نهاده‌اند. این تشکیلات اجرایی هم شامل ساختارهای دولتی است و هم شامل نهادهای مردمی. درنهایت نقطه بروز و ظهور هر نوع مشارکتی در فرایندی اجتماعی در ساختاری مشخص است که ممکن است از ابزارهای متفاوتی استفاده کند.

همه شهروندان می‌داند (اوباما، ۲۰۱۱). بنابراین اگر با عینکی متفاوت به این ۲ مقوله بنگریم به نظر می‌آید که بهتر است در قالب یک پدیده سودبخش و جامع به آن نگرسته و مقوله کمیت و کیفیت اطلاعات را استخراج و ارائه کنیم. وجود اطلاعات کامل و باکیفیت از وضعیت کنونی نظام آموزش و پرورش عامل اصلی در شکل‌گیری حالت اصیل آگاهی‌های شهروندان در حوزه آموزش و پرورش است. اطلاعاتی از قبیل چالش‌های اجتماعی دانش‌آموزان در سال‌های مختلف تحصیل، همانند نرخ اعتیاد در هر مدرسه یا دیگر آسیب‌های اجتماعی، روندهای تحصیلی فعلی منجر به رقابت‌های آتی در بازار کار و اهداف عالی نظام تربیتی، لازمه ایجاد یک مشارکت و آگاهی اصیل است.

عدالت: این مقوله اصلی از تشابه معنایی مقوله‌های فرعی عدالت، برابری در فرصت و انصاف استنباط شده است. عدالت، چه از نوع فرایندی و چه از نوع اجتماعی عاملی بسیار مهم در جلب نظر و کسب اعتماد جامعه هدف مشارکت است. کوهن در مقاله خود با موضوع عدالت فرایندی و مشارکت به این موضوع اشاره کرده که مدل‌های غیرمنصفانه مشارکت به نوعی ناامیدی در بین مشارکت‌کنندگان تبدیل می‌شوند (کوهن، ۱۹۸۵: ۶۵۱). عدالت در ایجاد فرصت برای همه اقشار جامعه در مشارکت و درک نیازهای همه افراد جامعه در حوزه نظام آموزش و پرورش و شنیده شدن صدای والدین و دانش‌آموزان در هر نقطه از کشور و محدود نکردن مشارکت‌کنندگان به قشری خاص تجلی عالی از مشارکت شهروندان است. چه‌بسا شنیده‌ایم که مردم روستایی دوردست چگونه مسئولیت‌های مختلف حمایتی از آموزش و پرورش را جهت دایر بودن مدارس برای فرزندانشان انجام می‌دهند. اما در

جدول ۱. مقوله‌های اصلی و فرعی مستخرج از فراترکیب و منابع مرتبط (یافته‌های پژوهش)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	منبع
	آگاهی شهروندان	پارک و همکاران، ۲۰۲۲؛ پانديا و شارماب، ۲۰۲۱؛ وبلر و تولر، ۲۰۱۸؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۸؛
توانمندی‌های شهروندی	دانش شهروندان	پانديا و شارماب، ۲۰۲۱؛ موتر و همکاران، ۲۰۲۱؛ وبلر و تولر، ۲۰۱۸؛ نايدو و رامفال، ۲۰۱۹؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۴؛ شوايزر و همکاران، ۲۰۱۶؛ نوابخش و نعیمی، ۱۳۹۰؛ عظیمی آملی و سوداگر، ۱۳۹۴؛
	مهارت شهروندان	لیو و همکاران، ۲۰۱۸؛ موتر و همکاران، ۲۰۲۱؛ وبلر و تولر، ۲۰۱۸؛ هوتی و همکاران، ۲۰۲۱؛
باورهای شهروندی	انگیزه شهروندان	وبلر و تولر، ۲۰۱۸؛ شیبالكینه، ۲۰۲۱؛ پاگاتپاتان و وارد، ۲۰۱۷؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۴؛ فتحی، ۱۳۹۲؛ عظیمی آملی و سوداگر، ۱۳۹۴؛ شریفزاده و صادقی، ۱۳۸۸؛
	نگرش شهروندان	وبلر و تولر، ۲۰۱۸؛ لو و همکاران، ۲۰۲۲؛ خیاتو، ۲۰۱۹؛ شریفزاده و صادقی، ۱۳۸۸؛ نوابخش و نعیمی، ۱۳۹۰؛
گردش اطلاعات	رسانه و افکار عمومی	برندبکن و همکاران، ۲۰۲۲؛ سیاهپوترا و ریتونگا، ۲۰۱۹؛ وانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ باقری کاهکش، ۲۰۲۰؛ موتر و همکاران، ۲۰۲۱؛ نوابخش و نعیمی، ۱۳۹۰؛ شریفزاده و صادقی، ۱۳۸۸؛
کمیت و کیفیت اطلاعات	اطلاعات	فینیتزا و همکاران، ۲۰۲۲؛ هوتی و همکاران، ۲۰۲۱؛ موتر و همکاران، ۲۰۲۱؛ گودووسکی و بچتوله، ۲۰۱۳؛ احمدی و همکاران، ۲۰۱۹؛ می و راس، ۲۰۱۷؛ شوايزر و همکاران، ۲۰۱۶؛
	شفافیت	می و راس، ۲۰۱۷؛ پارک و همکاران، ۲۰۲۲؛ ختلی، ۲۰۱۹؛ نایدو و رامفال، ۲۰۱۹؛
حمایت قانونی	قوانین مشارکتی	اکرد و هایدلبرگ، ۲۰۱۹؛ پرلاسیسیوت و اسکیتولایی، ۲۰۲۰؛ زاخور، ۲۰۱۹؛ ختلی، ۲۰۱۹؛
	مشروعیت مشارکت	وبلر و همکاران، ۲۰۰۱؛ لواندا و همکاران، ۲۰۱۹؛ زاخور، ۲۰۱۹؛ اکرد و هایدلبرگ، ۲۰۱۹؛
عدالت	عدالت و انصاف	پانديا و شارماب، ۲۰۲۱؛ کلارک، ۲۰۱۷؛ وبلر و همکاران، ۲۰۰۱؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۸؛ باقری کاهکش، ۲۰۲۰؛ لواندا و همکاران، ۲۰۱۹؛

مقوله اصلی	مقوله فرعی	منبع
تشکیلات اجرایی	فرایند	پرلاویسیوت، ۲۰۲۱؛ هانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ ویتکوفسکی و همکاران، ۲۰۲۱؛ بایبو، ۲۰۱۸؛ سیاهپوترا و ریتونگا، ۲۰۱۹؛ کلارک، ۲۰۱۷؛ رو و فرور، ۲۰۰۰؛ فتحی، ۱۳۹۲؛ عظیمی آملی و سوداگر، ۱۳۹۴؛
	ابزارها	پوسترت و همکاران، ۲۰۲۲؛ رو و فرور، ۲۰۰۰؛ پاکتپاتان و وارد، ۲۰۱۷؛ رجبی فرجاد و دیگران، ۱۳۹۳؛ جوزانی و حاکمی، ۱۳۹۵؛
ساختار	وانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ ویلر و تولر، ۲۰۱۸؛ پرلاسیسیوت و اسکینتایی، ۲۰۲۰؛ ابیو، ۲۰۱۸؛ می و راس، ۲۰۱۷؛ باقری کاهکش، ۲۰۲۰؛	
	نگرش مدیران	چان و همکاران، ۲۰۲۲؛ کاتو، ۲۰۲۲؛ هاتو و همکاران، ۲۰۲۲؛ اکرد و هایدلبرگ، ۲۰۱۹؛ بایبو، ۲۰۱۸؛ ویلر و همکاران، ۲۰۰۱؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۹؛ شریف‌زاده و صادقی، ۱۳۸۸؛
عوامل اجتماعی	بستر اجتماعی	شوایزر و همکاران، ۲۰۱۶؛ دانگ، ۲۰۱۸؛ لینگا و همکاران، ۲۰۲۱؛ ویلر و تولر، ۲۰۱۸؛ ریوس و بنتینو، ۲۰۱۶؛ پاکتپاتان و وارد، ۲۰۱۷؛ عظیمی آملی و سوداگر، ۱۳۹۴؛
	اعتماد اجتماعی	ریوس و بنتینو، ۲۰۱۶؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۹؛ شریف‌زاده و صادقی؛ نوابخش و نعیمی، ۱۳۹۰؛ رجبی فرجاد و دیگران، ۱۳۹۳؛
پیامدهای خطمشی	پیامدهای خطمشی	شوایزر و همکاران، ۲۰۱۶؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۹؛ خیاثو، ۲۰۱۹؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۸؛ فتحی، ۱۳۹۲؛ نوابخش و نعیمی، ۱۳۹۰؛

طویلی هستند که بوروکراسی پیچیده‌ای را نهادینه کرده است. این ساختار بر اساس دستورات و مستندات اداره می‌شود و لازم است که هرگونه جزء جدیدی در قالبی ساختارگونه سازمان‌دهی شود. در ساختار وزارت آموزش و پرورش، اداره‌ای تحت عنوان انجمن اولیا و مربیان دایر است که موظف است برنامه‌های مرتبط با روابط خانه و مدرسه و همکاری‌های آنان

مدیران نیز به‌عنوان گردانندگان مشارکت که در رأس ساختارها حضور دارند با نگرش و تلقی خود از مشارکت به آن واکنش نشان می‌دهند. این ۴ مقوله فرعی را می‌توان اجزای یک تشکیلات اجرایی دانست که مسئول پیاده‌سازی مشارکت هستند. خطمشی‌ها به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش در چرخه تدوین تا اجرا و ارزیابی دارای ساختارهای عمودی و افقی

جدول ۲. مقایسه مفاهیم مشابه و متفاوت در سنجش پایایی با شاخص کاپا

مقایسه نظرات گروه پژوهشگران و یک نفر متخصص	نظر پژوهشگران		
	بله	خیر	مجموع
بله	$\gamma=A$	$\gamma=B$	۹
نظر متخصص	$\gamma=C$	$\gamma=D$	۲
مجموع	۹	۲	۱۱

اقتصادی تأثیر بسزایی بر مشارکت شهروندان دارد. اینکه مشارکت در جامعه‌ای امری مرسوم و فرهنگی باشد بر مشارکت بسیار تأثیرگذار خواهد بود. اعتماد اجتماعی شهروندان که در واقع سرمایه‌های اصلی هر دولتی است نیز نقطه اتکای برنامه‌ریزی‌های مشارکت است.

پیامدهای خط‌مشی‌های پیشین: پیامدهای مشارکت یا تجربیات اجتماعی و فردی از مشارکت‌های پیشین، مقوله‌ای مغفول مانده است که تنها در بعضی پژوهش‌ها تنها به اشاره به آن تنها در قالب یک بازخورد از خط‌مشی‌ها اشاره شده است. آثار مثبت مشارکت‌های پیشین مشوقی برای جامعه برای استفاده از این مدل در رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی است. بنابراین لازم است تا در قالب یک مقوله اصلی به آن نگریده شود تا جایگاه

را کنترل کند. این اداره همانند هر بخش دیگری نیازمند به‌روزرسانی ساختارها، فرایندها و ابزار خود است. چراکه مدل فعلی خط‌مشی‌گذاری بالا به پایین و سلسله‌مراتبی پاسخ‌گوی مشارکت شهروندان و جلب نظر آنان نیست.

عوامل اجتماعی: در هنگام جست‌وجوی عوامل مؤثر بر مشارکت پایایی به مواردی همچون بستر اجتماعی، فرهنگ، اقتصاد، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، زیرساخت اجتماعی و دیگر عوامل مشابه برمی‌خوریم. مجموعه این عوامل که همگی پسوند اجتماعی را به پنهان یا آشکارا همراه خود دارند می‌توان عوامل اجتماعی نامید. نظام آموزش و پرورش شاید نظامی است که بیشترین ارتباط را با جامعه دارد و در واقع در حال آماده‌سازی افراد برای حضور در جامعه و قبول مسئولیت‌هاست. وضعیت

جدول ۳. تعیین سطح متغیرها براساس ماتریس دستیابی

باورهای شهروندان	توانمندی شهروندان	سطح ۱
عدالت		سطح ۲
گرددش اطلاعات	تشکیلات اجرائی	سطح ۳
حمایت قانونی	کیفیت و کمیت اطلاعات	سطح ۴
پیامدهای خط‌مشی‌های پیشین	عوامل اجتماعی	سطح ۵

مناسب خود را در میان مباحثات علمی پیدا کند. در پیشینه‌های موجود، در نگرش به این مقوله، تنها به ارائه یک بازخورد اکتفا شده و این‌طور تصریح شده که خط‌مشی‌های مقدم پیامدهایی در پی دارند که بر خط‌مشی‌های متأخر تأثیر دارند. اما به جهت اهمیت و زیربنایی بودن موضوع لازم است تا به‌عنوان یک متغیر یا عامل مستقل مورد کنکاش قرار گیرند.

۳-۴. بخش دوم مدل‌سازی ساختاری تفسیری^۱

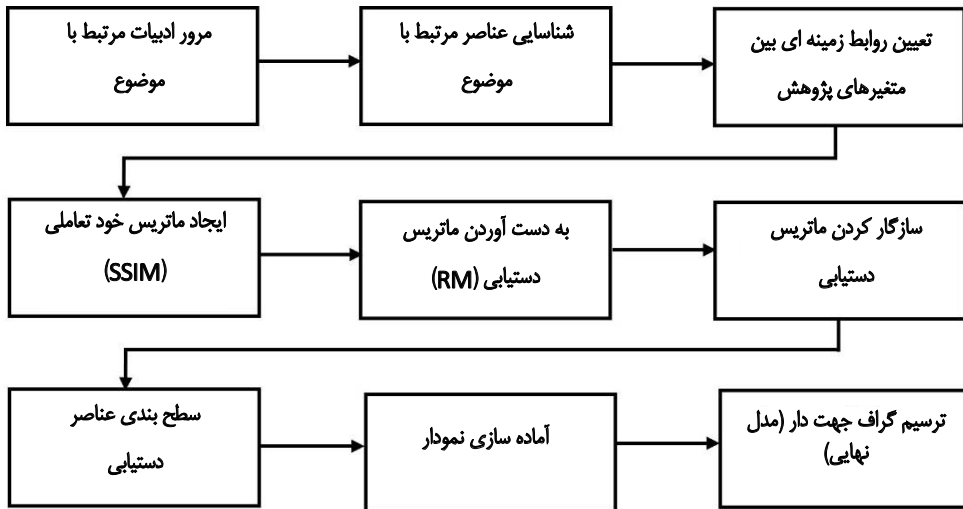
روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری توسط سیگ^۲ در سال ۱۹۷۷ ارائه شد و هدف آن طبقه‌بندی عوامل و شناسایی روابط بین معیارهاست. این یک روش کیفی کمی است که کاربرد زیادی در علوم مختلف دارد. همچنین در این روش می‌توان تحلیل میک‌مک^۳ را به کار برد که در ادامه این تحلیل نیز بررسی خواهد شد. در این پژوهش، گام بعدی پس از شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان، شناخت ساختار روابط بین این عوامل است. بنابراین لازم است تا از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بهره ببریم. خلاصه مراحل مدل‌سازی ساختاری تفسیری در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.

پرسش‌نامه این روش در اختیار ۱۶ نفر از خبرگان حوزه آموزش و پرورش و متخصصان حوزه خط‌مشی عمومی گرفت که همه آن‌ها با مشخص کردن روابط بین عوامل، پرسش‌نامه را تکمیل کردند. جمع‌بندی پاسخ‌ها بدین صورت بوده که باتوجه‌به فراوانی (مد) روابط مشخص‌شده بین هر ۲ عامل، ماتریس نهایی خودتعاملی ارائه می‌شود.

خروجی مرحله سطح‌بندی متغیرهای پژوهش نشان‌دهنده این است که در سطح پنجم که در پایین‌تر قسمت قرار گرفته است ۲ متغیر عوامل اجتماعی و پیامد خط‌مشی‌های پیشین قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، این ۲ متغیر دارای کمترین میزان وابستگی برابر با ۲ و بیشترین مقدار نفوذ در دیگر متغیرها هستند. بیشترین میزان نفوذ بعد از ۲ متغیر نام برده‌شده متغیر حمایت قانونی با عدد نفوذ ۷ و عدد وابستگی ۳ است. تفسیر این یافته این است که این متغیر تنها از متغیرهای سطح ۵ که همان عوامل اجتماعی و پیامد خط‌مشی‌های پیشین است تأثیر می‌پذیرد. در سطح سوم ۳ متغیر کمیت و کیفیت اطلاعات، تشکیلات اجرایی و گردش اطلاعات قرار گرفته است که میزان نفوذ و وابستگی برابر با ۶ دارند. از این حیث قرار گرفتن این متغیرها در میانه مدل قابل‌پیش‌بینی و تبیین است. در سطح دوم متغیر عدالت با سطح وابستگی بالا قرار دارد. بروز این متغیر در سطح از نظر ادبیات نیز بسیار قابل‌توجه است. متغیر عدالت که نمودی از کیفیت تعاملات اجتماعی است و یک هدف متعالی محسوب می‌شود نفوذی برابر ۳ و وابستگی برابر ۷ دارد که آن را از حوزه متغیرهای بنیادین خارج کرده است. در بالاترین سطح مدل که جایگاه متغیرهایی با بالاترین سطح وابستگی و کمترین نفوذ است ۲ متغیر هستند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان بلوغ مشارکتی والدین دانش‌آموزان نام برد. والدینی آگاه با انگیزه و متکی بر عدالت اجتماعی که با پشتیبانی ابزارهای اجتماعی، قوانین و عوامل اجتماعی شکل گرفته‌اند که آمادگی تأثیر بر و همراهی با نظام تعلیم و تربیت دارند.

خروجی روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری نشان‌دهنده این امر است که در سطح اول مقوله‌های

1. Interpretive Structural Modeling (ISM)
2. Sage
3. MICMAC

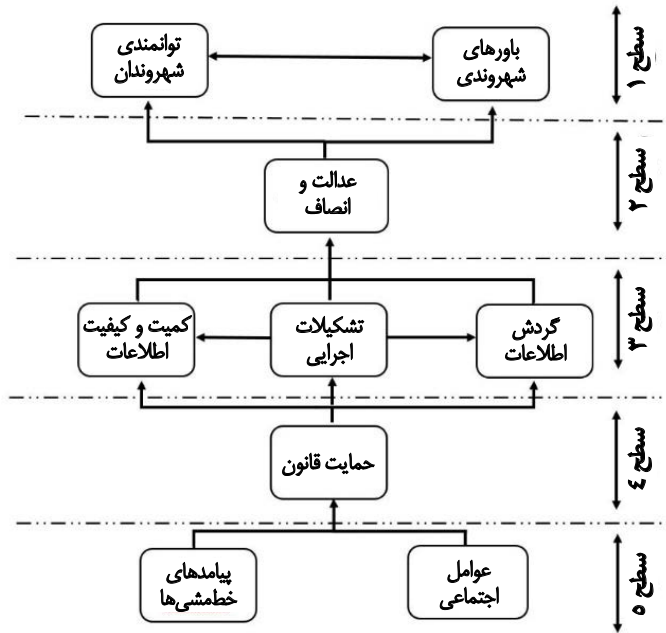


تصویر ۱. مراحل پیاده‌سازی روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری

ورود شهروندان به عرصه مشارکت را فراهم می‌آورند. در سطح چهارم مقوله حمایت قانونی قرار دارد و طبعاً مقوله‌ای زیربنایی تلقی می‌شود. تأثیر این مقوله بر مقوله‌های مرتبط با اطلاعات و تشکیلات نشان داده شده است و طبعاً قانون می‌بایست حامی پژوهش‌ها و استخراج داده‌ها و اطلاعات و در نهایت گردش آزاد این اطلاعات و شفافیت آن باشد. همچنین هرگونه ساختاری، از مرحله پیدایش تا سازمان‌دهی و رویه‌ها و غیره نیازمند طی مراحل قانونی است و این قانون است که ذات و هویت سازمان‌ها (اینکه مشارکتی باشند یا خیر) را شکل می‌دهد. در انتها و کف، مدل مقوله عوامل اجتماعی، به‌عنوان مقوله‌ای اصلی و زیربنایی که نشان‌دهنده روندهای میان‌مدت و بلندمدت جامعه است طبعاً پیشاپیش بقیه مقوله‌ها قرار می‌گیرد. مقوله پیامدهای خط‌مشی‌های پیشین در کنار عوامل اجتماعی و با آن در یک سطح قرار گرفته است که همان‌طور که در قسمت یافته‌های

توانمندی شهروندان و باورهای شهروندان قرار گرفته‌اند. نزدیکی این مقوله به متغیر وابسته تحقیق (مشارکت شهروندان) و تأثیرگذاری نهایی آن بر مشارکت شهروندان قابل توجه است. در سطح دوم مقوله عدالت و انصاف به‌تنهایی قرار دارد. عدالت و انصاف مولود قانون مناسب و نظارت دقیق بر اجرای قوانین است که قرار گرفتن مقوله عدالت بعد از مقوله‌های نظارتی همچون گردش اطلاعات و کمیت و کیفیت اطلاعات و مقوله تشکیلات اجرایی، مبین سطح مناسب مقوله عدالت و انصاف در مدل است. ۲ مقوله کمیت و کیفیت اطلاعات و گردش اطلاعات هرچند از یک جنس هستند، اما تحلیل‌های عمیقاً متفاوتی را می‌طلبند و وابستگی این ۲ مقوله به مقوله حمایت قانونی نیز تصدیق‌کننده جایگاه مناسب آنان است.

این ۲ مقوله در کنار تشکیلات اجرایی قرار گرفته‌اند و فضای اجتماعی و ساختاری لازم جهت

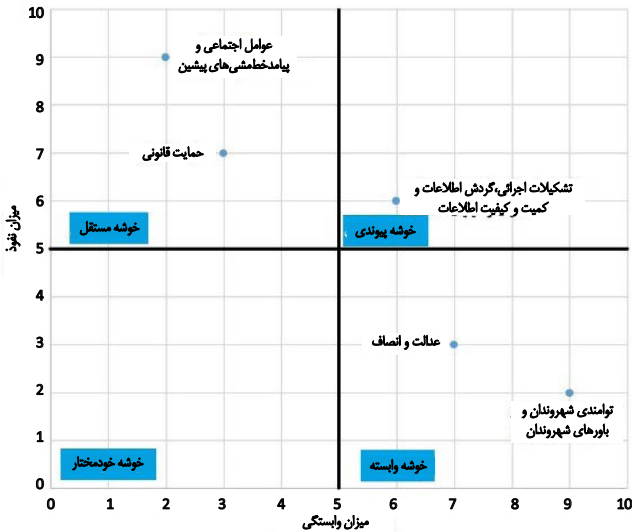


تصویر ۲. مدل نهایی پژوهش

متغیر، ۲ متغیر باورها و توانمندی شهروندان دارای بیشترین میزان وابستگی هستند. در همین خوشه مقوله عدالت و انصاف با کاهش میزان وابستگی از نفوذ بیشتری برخوردارند. خوشه سوم شامل متغیرهای مستقل است. این متغیرها دارای قدرت نفوذ قوی و وابستگی ضعیف هستند. متغیرهای عوامل اجتماعی و پیامدهای خطمشی‌های پیشین و حمایت قانونی در این خوشه قرار دارند و دارای قدرت نفوذ بالایی هستند. خوشه چهارم شامل متغیرهای پیوندی است. این متغیرها دارای قدرت نفوذ و قدرت وابستگی قوی هستند. در این پژوهش ۳ متغیر گردش اطلاعات، کمیت و کیفیت اطلاعات و تشکیلات اجرایی در این دسته قرار گرفته‌اند. تصویر شماره ۳ نشان‌دهنده خوشه‌ها و قدرت نفوذ و وابستگی متغیرهاست.

بخش فراترکیب ذکر شد در واقع همان چرخه‌های بازخوردی است که در پیشینه‌های این موضوع از انتهای مدل‌ها به سمت ابتدای روند مدل حرکت می‌کرد و بیانگر نظام‌مند بودن فرایند بوده است.

در تحلیل میک مک، معیار خوشه‌بندی، قدرت نفوذ و میزان وابستگی معیارهاست. براساس مطالعات، معیارها در ۴ خوشه خودمختار، وابسته، پیوندی و مستقل دسته‌بندی می‌شوند. خوشه اول شامل متغیرهای خودمختار است. این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. در این پژوهش هیچ کدام از متغیرها در این خوشه قرار نگرفته‌اند که نشان‌دهنده آن است که این متغیرها ارتباط قوی با یکدیگر دارند. خوشه دوم شامل متغیرهای وابسته است که قدرت نفوذ ضعیف و وابستگی قوی دارند. در خوشه دوم



تصویر ۳. خروجی تحلیل میک میک (خوشه‌بندی یافته‌های پژوهش)

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در مدل ارائه‌شده، مقوله عوامل اجتماعی در کنار پیامد خط‌مشی‌های پیشین در کف مدل قرار دارد و به‌عنوان مقوله بنیادین در راستای مشارکت شهروندان در نظام آموزش و پرورش معرفی شده است. عوامل اجتماعی که شامل بستر و روابط درونی اقشار جامعه می‌شود داشته‌ها و اندوخته‌های بنیادین آحاد افراد اجتماع است که از پس بحران‌ها و شکوفایی‌ها و فراز و فرودهای اجتماعی کسب کرده‌اند. قانون مشارکتی نیز تضمین‌کننده ابزارها و فرایندهای مشارکتی در نظام تعلیم و تربیت است. ساختارهای بوروکراتیک ادارات و مدارس آموزش و پرورش را پذیرای مشارکت والدین می‌کند. نهادها را موظف به تولید اطلاعات صحیح و شفاف از بهره‌وری و نتیجه آن در رفع مسائل و دغدغه‌های اجتماعی و ارائه آن به جامعه می‌کند و تضمین‌کننده گردش اطلاعات در رسانه‌ها و افکار عمومی است. یافته‌ها در بررسی جایگاه مشارکت در آموزش و پرورش در اسناد فرادستی نیز

در این پژوهش، مدل‌سازی ساختاری تفسیری، عمق تأثیر هر یک از عوامل را نشان داده و همچنین ترتیب و توالی تحقق این عوامل را به‌طوری‌که موجبات کارآمدی مطلوب را فراهم آورد به تصویر کشیده است. این مدل همانند نردبانی، پله‌های دستیابی به هدف را تعیین می‌کند. مراحل که یک‌به‌یک می‌بایست در سیاست‌گذاری لحاظ شده و الزامات سیاسی برای آن فراهم شود. راهی که اکثر مدیران مایل‌اند در شبی طی کنند، همان مشارکت بخشنامه‌ای دستوری و پریدن از پله اول به پله آخر است. تصمیماتی که بدون توجه به الزامات سیاستی ورود به مشارکت گرفته می‌شود، نتیجه‌ای جز پیچیده‌تر و کندتر شدن بوروکراسی اداری را در پی نداشته است.

براساس مدل پژوهش، مشارکت شهروندان متشکل از سلسله حقوق به‌هم‌پیوسته است (تصویر شماره ۲). حق دسترسی به اطلاعات، نه تنها تصمیم‌گیری‌های مشارکتی مؤثر را تسهیل می‌کند، بلکه مشارکت‌کنندگان را قادر می‌کند تا محیطشان را به‌طور پیوسته ارزیابی کنند تا نسبت به هر آنچه مؤثر بر زندگی‌شان است هوشیار باشند (راجامانی و پیل، ۲۰۲۱: ۴۴۶). با این تعریف حق عدالت‌مندی مشارکتی را به‌عنوان حقی متأخر، می‌توان به معنای دسترسی به ابزارهایی در جهت تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی تعریف کرد.

عدالت و انصاف در مشارکت آموزشی، کارکرد اجتماعی دستگاه‌های دولتی و رسانه‌هاست. اما برقراری عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از غایت‌های اصلی مشارکت، عموماً در رویکردهای مشارکت مغفول واقع شده است (فاضل و همکاران، ۱۴۰۱). وزارت آموزش و پرورش مشارکت‌محور می‌تواند با استفاده از فرایندهای گردش اطلاعات مکفی از حیث کمیت و کیفیت بین زیرمجموعه خود و شهروندان بستری عادلانه و منصفانه از مشارکت را به نمایش گذارد که در آن والدین وضعیت کنونی را می‌شناسند، هدفشان را تعیین کرده‌اند، ابزار مشارکت را در اختیار دارند و فرصتی برابر با دیگر ذی‌نفعان در بیان نظرات و دغدغه‌هایشان دارند. براساس یافته‌های این پژوهش زمانی می‌توان به اولیای دانش‌آموزان که توجهی به مشارکت ندارند خرده گرفت که نمودهای عینی سطوح قبلی یعنی بوروکراسی و اطلاعات مطلوب تحقق پیدا کرده باشند.

مؤید اهمیت مقوله حمایت قانونی در پژوهش حاضر است و این‌طور عنوان شده که «تعارض نظری، ابهام و عدم صراحت، سکوت در برخی ابعاد و غلبه نگاه تک‌بعدی در مشارکت، سیاست‌های بدون پشتیبان درزمینه مشارکت و عدم امتداد سیاست‌های کلی در دیگر اسناد، باعث عدم انسجام و از دست رفتن جامعیت اسناد آموزش و پرورش در موضوع مشارکت شده است» (فاضل و همکاران، ۱۴۰۰). در بررسی ابعاد مشارکت شهروندان که به تقاضای کمیسیون تحقیقات و آموزش مجلس شورای اسلامی انجام شد، کاستی‌های کنونی مشارکت ناشی از شکل مشارکت، کاستی ناشی از تأسیس مدارس غیرانتفاعی، کاستی ناشی از ساختار و تمرکز آن، کاستی ناشی از برنامه دولت و کاستی ناشی از نگرش مسئولان دانسته شده (بزرگی و دانشپور، ۱۳۸۹)، اما این پژوهش حوزه کاستی‌ها را به حوزه‌های گسترده‌تر و درعین حال منفک و منسجم‌تر بسط داده است. در گزارشی که در سایت یونسکو درمورد مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی در کشورهای مختلف داده شد، عنوان شده راه تشویق مشارکت شهروندان توجه به دسترسی، درک و استفاده از اطلاعات و تشویق چندصدایی در جامعه است (یونسکو، ۲۰۲۱). توصیه‌های بیان‌شده در این گزارش از تجارب ۲ کشور ماداگاسکار و هند ارائه شده بوده است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز عنوان شد در پژوهش حاضر سعی شد با استفاده از روش فراترکیب به درک درستی از مقوله‌های عمیق‌تر برسیم. بر همین اساس مقوله‌های کمیت و کیفیت اطلاعات و گردش اطلاعات با پشتوانه حمایت قانونی نماینده شایسته‌تری از مضامین مرتبط هستند. بنابراین پژوهش کنونی ضمن هم‌آوایی با گزارش یونسکو درک عمیق و وسیع‌تری از مفهوم اطلاعات ارائه داده است.

آن است که این شرایط شایسته‌ترین محیط را برای حضور شهروندان مهیا می‌کند.

در قسمت تحلیل میک مک، یافته‌های پژوهش در ۳ خوشه مستقل، پیوندی و وابسته جای گرفتند. مقوله‌های خوشه مستقل، وابستگی کمتری به دیگر مقوله‌ها دارند، اما نفوذ بالایی بر آنان دارند و شرط توفیق مقوله‌های خوشه پیوندی را می‌توان قوت و بهبود مقوله‌های این خوشه دانست که عبارت‌اند از: پیامد خطمشی‌های پیشین، عوامل اجتماعی و حمایت قانونی. نمود عینی حرکت به سمت مشارکت را می‌توان در مشارکتی شدن مقوله‌های خوشه پیوندی دانست. تشکیلات و اطلاعات مشارکت‌محور، زمینه تقویت مقوله‌های خوشه وابسته را مهیا می‌کنند. برقراری عدالت آخرین زمینه اجتماعی در مدل ارائه‌شده برای ورود شهروندان به مشارکت است. پس از آن است که تمرکز فرایند مشارکتی شدن نظام تعلیم تربیت از حوزه مسائل اجتماعی به مسائل فردی که همان ۲ مقوله باور و توانمندی شهروندان است می‌رسد. بنابراین روش‌های منتخب در این پژوهش تناسب مطلوبی با موضوع پژوهش داشته و توانسته قدرت تفسیر بالایی از مدل را ارائه دهد. در ادامه قسمت بحث به بررسی و مقایسه یافته‌های دیگر پژوهشگران و جنبه‌های جدید و متفاوت پژوهش حاضر خواهیم پرداخت. هرچند در پژوهش «واکاو و تبیین پیشران‌های مؤثر بر آینده مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری» که در حوزه عمومی خطمشی است، عواملی همچون جمعیت، ذخایر طبیعی، جغرافیا و بحران در خوشه مستقل دسته‌بندی شدند (قربانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹)، اما باتوجه‌به اینکه حوزه آموزش و پرورش نیازمند ذره‌بینی تخصصی‌تر است حضور عوامل محیطی تقریباً ثابت در درازمدت

در سطح بالاتر مدل بعد از اینکه عدالت‌مندی فرایند مشارکت تضمین شد، سطح شهروندان را شاهد هستیم. در این سطح، این مردم هستند که مقیاس‌های باورها و توانمندی‌های خود را فعال می‌سازند. نگرش‌ها، ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه، پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را برعهده می‌گیرند. برآیند انگیزش و نگرش، نوع اقدام شهروندان در مشارکت در حوزه تعلیم و تربیت را مشخص می‌سازند. اما اینکه شهروندان کارآمد هستند یا خیر بستگی به این دارد که آیا آگاهی کافی از شرایط تعلیم و تربیت دارند؟ دانش تخصصی‌شان در این حوزه چه میزان است؟ و مهارت‌های اجتماعی‌شان چه میزان است؟ به‌طور حتم انگیزه بدون پشتوانه آگاهی موجب بهروزی ایده‌آل نخواهد بود و جزء لاینفک مشارکت مؤثر، آگاهی از وضعیت دانش‌آموزان و جامعه از سوی والدین ایشان است. والدین باانگیزه و آگاه، قدم آخر در بروز نظام آموزشی و پرورشی مشارکتی هستند که می‌توان از ایشان انتظار هم‌آوایی با منافع جمعی، همکاری در برنامه‌های درسی و برطرف کردن مسائل اجتماعی را داشت. هم‌راستا با نحوه سطح‌بندی مقوله‌ها در این پژوهش، در پژوهشی با عنوان «ترویج مشارکت شهروندان در محیط مدارس»، شرط همکاری تسهیم دانش، توانمندسازی و ایجاد ظرفیت‌های جدید و به رسمیت شناخته شدن شهروندان به‌طور شایسته عنوان شده است (متشی و پیتسو، ۲۰۱۳: ۶۵۰). مقولات شهروندی در پژوهش حاضر در سطح اول با بیشترین سطح وابستگی قرار دارند و بر این موضوع تأکید شده که راه توفیق شهروندان، تقویت مقوله‌های زیرساختی مقولات شهروندی است. به رسمیت شناخته شدن شهروندان، همان وجود حمایت قانونی، حمایت افکار عمومی، گردش اطلاعات صریح و ساختار متناسب با

به شاخصه‌های فردی مهیا کند. همچنین با استفاده از اطلاعات ارائه‌شده در مدل، نگاه تک‌بعدی به مشارکت حذف خواهد شد و نحوه برنامه‌ریزی در خصوص بهبود همه‌جانبه و بسط مشارکت تسهیل خواهد شد.

در این پژوهش با استفاده از ۲ روش یادشده، ۹ مقوله اصلی از مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی استخراج شد که در ۵ سطح قرار گرفتند. هر سطح در این مدل، نمود تعالی سطح قبلی است و پیش‌نیاز و بنیان سطحی بعدی در مشارکت. در مسیر تحقق مشارکت کارآمد، با شناخت شرایط کنونی متأثر از خط‌مشی‌های پیشین حوزه تعلیم و تربیت و محیط اجتماعی، شکاف‌ها و مسیرها شناسایی می‌شوند و قوانین مناسب تصویب می‌شوند. قانون مناسب متضمن تحقق تشکیلاتی اجرایی مشارکت‌محور و همچنین تولید اطلاعات دقیق و گردش آن در بین مردم است. این ۳ مورد در کنار هم در یک سطح، در نمودی به نام عدالت و انصاف، تعالی خود را به نمایش می‌گذارند. با ظهور عدالت و انصاف مشارکتی می‌توانیم شهروندانی باورمند و توانمند در عرصه مشارکت داشته باشیم.

اگرچه تلاش شد که بهترین تفسیر ارائه شود، اما هر روش تحقیق، تفسیر خاص خود را ارائه می‌دهد. بنابراین برای تکمیل این پژوهش استفاده از تکنیک وزن‌دهی به مقوله‌ها و مقایسه آن با مدل ساختاری تفسیری این پژوهش و همچنین بررسی نقاط ضعف و قوت و تهدیدات و فرصت‌های مرتبط با عوامل معرفی شده توصیه می‌شود.

۴-۱. پیشنهادهای سیاستی

براساس یافته‌های این پژوهش راه مشارکت همانند زردبانی است که می‌بایست پله‌به‌پله طی

شایسته بحث نیست. همچنین در پژوهش یادشده حق مشارکت بدون نفوذ بر دیگر متغیرهای معرفی شده و تا حدی وابسته است که با یافته پژوهش حاضر که در آن عنوان حق مشارکت را می‌توان هم‌آوا با مضامین مقوله‌های خوشه پیوندی با نفوذ و وابستگی بالا دانست، متفاوت است. درعین حال در پژوهش یادشده، مجلس جایگاهی دارای نفوذ و وابستگی بالا (درخوشه پیوندی) معرفی شده که با جایگاه معرفی‌شده حق مشارکت منافات دارد. از این رو پژوهش حاضر، دستاوردهای تحلیلی شایسته‌تری ارائه کرده است.

در این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب توانسته‌ایم نگاهی جامع به مقوله عوامل مؤثر بر مشارکت از همه حوزه‌هایی که پیشینه‌ای داشته کسب کنیم. این جنبه ترکیبی توانسته مقوله‌های قابل‌تیین‌تری از پیشینه‌های پیشین ارائه دهد. همچنین استفاده مرکب از روش‌های تحقیق مناسب، موجب ارائه مدلی کاربردی‌تر و قابل‌تفسیرتر نسبت به پیشینه‌های موجود شده است.

این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب توانسته با نگاهی جامع، تجربیات دیگر حوزه‌ها در مشارکت را در حوزه نظام آموزشی و پرورشی تبیین کند و با مطالعه آن تجربیات، نگاهی همه‌جانبه به موضوع مشارکت در حوزه نظام تعلیم و تربیت ارائه دهد. همچنین با روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، عوامل مرتبط با یکدیگر سطح‌بندی و خوشه‌بندی شدند تا بر این اساس بتوان نگاه شبکه‌ای نوینی به نحوه ارتباط عوامل داشت. مدل زردبانی و مرحله‌ای پژوهش که از سطح اجتماعی آغاز شده، حکمرانی را در سطح بالاتر موظف به بسترسازی و جذب و تقویت مشارکت می‌داند تا در مرحله نهایی به‌طور گسترده و همه‌گیر، شرایط را برای مشارکت عمومی با عنایت

قوانین جامعه در سطوح مختلف از قانون اساسی تا رویه‌های اداری، شاکله مشارکت موردتوافق را در سطوح مختلف ارائه می‌دهد. این الزامات قانونی است که جای مردم را در امور دولتی باز می‌کند؛ چراکه ساختار بوروکراتیک سلسله‌مراتبی وزارت آموزش و پرورش تمایل چندانی به مشارکت شهروندان در امور از خود نشان نمی‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود حمایت قانونی از فعالیت‌های مشارکتی و مردم‌سالارانه، سرلوحه قانون‌گذاری و پیوستی از هر قانون قرار گیرد. مشروعیت نظام‌های مشارکتی در گرو حمایت قانونی است.

تشکیلات اجرایی از حیث ساختار، فرایند، ابزار و نگرش مدیران می‌بایست مشارکتی شود. این مشارکتی شدن تنها با دستور و حتی وضع قانون امکان‌پذیر نیست. مشارکت شهروندان امری ارزش‌مدار است که در نفس نظام مردم‌سالارانه نهفته شده است. اهمیت شنیده شدن صدای مردم و نقش ایشان در موفقیت خط‌مشی‌ها، نیاز به باور کارمندان بخش خدمات عمومی دارد. بنابراین لازم است تا وزارت آموزش و پرورش اقدامات سیاستی لازم را در جهت تحقق فرهنگ مشارکتی در ادارات زیرمجموعه خود انجام دهد.

آنچه ضامن تصمیم و اقدام درست است، داشتن اطلاعات است و اطلاعات اساس مشارکت شهروندان است. پیشنهاد می‌شود رویه‌ای شکل گیرد تا صحیح‌ترین اطلاعات حوزه تعلیم و تربیت در سریع‌ترین زمان از سوی مراکز ارائه اطلاعات همچون مرکز آمار ایران، وزارت آموزش و پرورش به دست مردم برسد. همچنین دانشگاه‌ها و مراکز علمی، ارائه تحلیل از این اطلاعات و پیشنهاد براساس آن را سرلوحه خود قرار دهند.

شود که از خروجی مدل‌سازی ساختاری تفسیری و ادبیات این حوزه استنباط شده است. شرط ورود به مرحله بالاتر مدل، اطمینان از قابل‌اتکا بودن مرحله حاضر است. براین اساس پیشنهاد‌های سیاستی زیر ارائه می‌شوند:

پیامد خط‌مشی‌های پیشین چه در حوزه تعلیم و تربیت و چه در دیگر حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تجربیات خط‌مشی‌های مشارکتی پیشین، اصلی‌ترین عامل تعیین‌روندهای آتی است. آنچه لازم است، شناخت دستاوردها و کاستی‌ها و نقاط ضعف و قوت خط‌مشی‌های پیشین است. شکست‌های پیاپی ناامیدی به حاصل مشارکت را در پی دارد. پاسخ‌گویی مدیران در صورتی که منجر به اصلاح نشود بی‌فایده است. لازم است از سوی دستگاه‌های نظارت و ارزیابی (مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و غیره) اهداف خط‌مشی‌های پیشین و پیامدهای آن‌ها مطالعه جدی شوند تا در وضع قوانین و خط‌مشی‌های بعدی در حوزه آموزش و پرورش، نقصان‌ها و انحرافات مشخص شوند، نقاط مغفول مشارکتی جبران و دستاوردهای مثبت مشارکتی تقویت شوند.

عوامل اجتماعی همچون بستر و اعتماد اجتماعی، تکیه‌گاه دولت‌ها و انرژی اولیه جوامع برای آغاز مشارکت والدین هستند. پیشنهاد می‌شود قبل از طرح هرگونه مشارکت شهروندان در حوزه نظام آموزشی و پرورشی، کشش اجتماعی مشارکت از سوی سیاست‌گذاران بررسی و دقیقاً تعیین شود و خط‌مشی‌های بعدی براساس این ظرفیت شکل بگیرد. همچنین برنامه‌های توانمندسازی نیز از این رهگذر بهتر قابل حصول است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در این مقاله در نظر گرفته شده است. شرکت‌کنندگان در جریان هدف تحقیق و مراحل اجرای آن قرار گرفتند. آن‌ها همچنین از محرمانه بودن اطلاعات خود اطمینان داشتند و می‌توانستند هر زمان که بخواهند مطالعه را ترک کنند و هرگونه حقوق دیگر ایشان رعایت شد و محترم شمرده شد.

حامی مالی

این تحقیق هیچ کمک مالی از سازمان‌های مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به‌طور یکسان در تهیه این مقاله مشارکت داشتند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

از اعضای محترم هیئت تحریریه و داوران و کارشناسان محترم فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی که در اصلاح و مذاقه در باب مطالب این پژوهش، تلاش‌های فراوانی داشتند کمال تشکر به عمل می‌آید.

نمود آماده بودن جامعه و ساختار اداری دستگاه تعلیم و تربیت برای ورود به مشارکت شهروندان تحقق عدالت و انصاف در جامعه است. توصیه می‌شود اقدامات اجرایی و افکار عمومی با دیده‌بان عدالت و انصاف مورد قیاس قرار گیرد تا عیار مشارکتی بودن شرایط برای مسئولان مشخص شود. همچنین برابری فرصت‌ها در مشارکت خود سنجه مناسبی از بلوغ مشارکتی در جامعه است. برابر کردن فرصت‌ها نیز امری دستوری نیست، لازم است تا آموزش لازم جهت فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن باور به حق فرصت برابر در مشارکت در نظام آموزشی و پرورشی از سوی دستگاه‌های اجرائی دخیل در حوزه فرهنگ و آموزش داده شود. همچنین دستگاه قضا و مجلس شورای اسلامی نیز ضمانت عدالت مشارکتی را برعهده گیرند و با استفاده از سازوکارهای نظارتی خود، این موضوع را مورد دیده‌بانی قرار دهد.

پیشنهاد می‌شود در وزارت آموزش و پرورش، آماده‌سازی شهروندان برای مشارکت در دو روند جداگانه بعد از اطمینان از قابل‌اتکا بودن مراحل قبلی طبق مدل انجام شود. روند اول شناخت و تغییر باورهای شهروندان متشکل از انگیزش و نگرش آنان به موضوع مشارکت است و روند دوم توانمندسازی مشارکتی شهروندان به‌صورت ارائه دانش تخصصی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های شهروندی انجام پذیرد. روند اول را می‌توان با تقویت انجمن اولیا و مربیان و تفویض اختیار تصمیم‌گیری گسترده‌تر انجام داد. روند دوم را نیز می‌توان از طریق کارگاه‌های آموزشی روزانه و گروه‌های همفکری براساس ارائه تجربیات زیسته و یا گلوله برفی توسعه داد.

منابع فارسی

- لطفی، ه.، دانش‌فرد، ک.، و موسی‌خانی، م. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی ایران و کشورهای منتخب. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۰ (۳۶)، ۱۸۳-۱۶۴.
- فاضل، ر.، مهram، ب.، حسینقلی‌زاده، ر.، و نوغانی‌دخت بهمنی، م. (۱۴۰۰). مطالعه انتقادی الگوهای مشارکت در آموزش و پرورش. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۲۸ (۲)، ۱۵۹-۱۴۷.
- فاضل، ر.، مهram، ب.، حسینقلی‌زاده، ر.، و نوغانی‌دخت بهمنی، م. (۱۴۰۰). جایگاه مشارکت و ابعاد آن در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد فرادست. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، ۱۴ (۲)، ۴۶-۱۳.
- فتحی، س. (۱۳۹۲). عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، ۴ (۱۰)، ۱۶۴-۱۴۳.
- فطانت‌فرد حقیقی، م.، زین‌آبادی، ح.، ر. آراسته، ح.، و نوه ابراهیم، ع. (۱۴۰۰). طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در نظام آموزش عالی. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱ (۳۸)، ۳۴۶-۳۲۴.
- قربانی‌زاده، و.، معتضدیان، ر.، حسین پور، د.، و رهبر، ع. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری با رویکرد چندروشی. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱ (۳۹)، ۹۲-۶۸.
- قربانی‌زاده، و.، معتضدیان، ر.، حسین پور، د.، و رهبر، ع. (۱۴۰۰). واکاو و تبیین پیشران‌های مؤثر بر آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری. *مجلس و راهبرد*، ۱۲ (۱۰۷)، ۲۰۸-۱۸۱.
- کریم‌میان، ز.، محمدی، م.، قاضی‌نوری، س.، و ذوالفقار زاده، م. (۱۳۹۸). طبقه‌بندی ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی با استفاده از روش فراترکیب. *مدیریت دولتی*، ۱۱ (۳)، ۴۰۲-۳۷۷.
- محسنی‌کیاسری، م.، محمدی، م.، جعفر‌نژاد، ا.، مختارزاده، ن.، و اسدی‌فرد، ر. (۱۳۹۶). دسته‌بندی ابزارهای سیاست‌نوآوری تقاضامحور با استفاده از رویکرد فراترکیب. *مدیریت نوآوری*، ۶ (۲)، ۱۳۸-۱۰۹.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). *نتایج تفصیلی طرح آمارگیری نیروی کار ۱۴۰۰*. تهران: مرکز آمار ایران.
- الوانی، س. م. (۱۳۸۱). راهکارهای مشارکت عامه مردم در خط‌مشی‌گذاری عمومی. *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ۱۳ (۰)، ۱۷-۵.
- پورحسن، س.، و فرجوند، ا. (۱۳۹۸). بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی بر مشارکت شهروندان در فرایند بودجه‌بندی مشارکتی. *مدیریت دولتی*، ۱۱ (۳)، ۳۷۶-۳۵۵.
- جمالی، ق.، نرگسیان، ع.، و پیران‌نژاد، ع. (۱۳۹۶). ارزیابی وضعیت شفافیت پورتال سازمان‌های دولتی (مطالعه موردی: وزارتخانه‌های ایران). *مدیریت دولتی*، ۹ (۱)، ۸۴-۶۱.
- جوادی یگانه، م.، و هاشمی، س. ض. (۱۳۸۴). تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوره‌ای اجتماعی) و عوامل موثر بر آن. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۶ (۲۶)، ۱۷۳-۱۴۱.
- رازینی، ر.، آذر، ع.، و محمدی، م. (۱۳۹۲). ارائه مدل سنجش عملکرد سازمان‌های چابک: رویکرد مدل سازی ساختاری-تفسیری. *چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ۳ (۱۲)، ۹۹-۸۷.
- سیدی، س. م.، دانایی‌فرد، ح.، گنجعلی، ا.، و خائف‌الهی، ا. ع. (۱۳۹۸). طراحی الگوی شایستگی‌های مدیران عالی دولتی با روش فراترکیب. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۹ (۳۳)، ۷۸-۵۴.
- شریف‌زاده، ف.، و صدقی، ج. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر. *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۱۹ (۵۹)، ۷۰-۴۷.
- شهریاری، م. (۱۳۹۷). از تصدی‌گری تا تسهیل‌گری در انجمن‌های اولیاء و مربیان [اینترنت].
- عبداللهی، ح.، عباسپور، ع.، فرهادی‌امجد، ف.، نادری، ا.، و خورسندی‌طاوسکوه، ع. (۱۴۰۱). تحلیل سیاست‌های گسترش گونه‌های مدارس در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۲ (۴۴)، ۸۰-۵۰.
- عظیمی‌املی، ج.، و سوداگر، س. (۱۳۹۴). بررسی نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهر (نمونه موردی: شهر نور). *مطالعات مدیریت شهری*، ۷ (۲۱)، ۶۵-۴۷.
- کمالی، ی. (۱۳۹۶). روش فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی. *فصلنامه سیاست*، ۳ (۳)، ۴۷-۷۳۶.

نوابخش، م.، و نعیمی، م. (۱۳۹۰). تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی (مطالعه موردی منطقه ۱۳ شهرداری تهران). *مطالعات شهری*، ۱(۱)، ۵۱-۱۹.

References

- Abdollahi, H., Abbaspour, A., Farhadi Amjad, F., Abolghasem, N., & Khorsandi Tauskooh, A. (2022). [Analysis of school species expansion policies in the education system of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 12(44), 50-80. [DOI:10.22034/sspp.2022.550261.3161]
- Azimi Amoli, J., & Sodagar, S. (2015). [The role of citizen participation in sustainable urban development (case study: Noor city) (Persian)]. *Urban Management Studies*, 7(21), 36-45. [Link]
- Alvani, S. M. (2002). [The solutions of public participation in the public planning (Persian)]. *Journals of Mojtamae Aalie Ghom*, 13(0), 5-17. [Link]
- Ahmadi, D., Rachmiatie, R., & Nursuawal. (2019). Public participation model for public information disclosure. *Malaysian Journal of Communication*, 35(4), 305-321. [DOI:10.17576/JKMJC-2019-3504-19]
- Bagheri Kahkesh, M., Mahmoodi Majd Abadi farahani, M., Riahi, L., & Hajinabi, K. (2020). [Factors affecting the occurrence of public participation in the health system: A comparative study (Persian)]. *Iranian Journal of Health Insurance*, 3(2), 116-127. [Link]
- Bobbio, L. (2019). Designing effective public participation. *Policy and Society*, 38(1), 41-57. [DOI:10.1080/14494035.2018.1511193]
- Brendbekken, A., Robberstad, B., & Norheim, O. F. (2022). Public participation: Healthcare rationing in the newspaper media. *BMC Health Services Research*, 22(1), 407. [DOI:10.1186/s12913-022-07786-w] [PMID] [PMCID]
- Bryson, J. M., Crosby, B. C., & Bloomberg, L. (2014). Public value governance: Moving beyond traditional public administration and the new public management. *Public Administration Review*, 74(4), 445-456. [DOI:10.1111/puar.12238]
- Cao, L. (2022). A post-revanchist city: A governmentality perspective on public participation in Nanjing, China. *Cities*, 122, 103550. [DOI:10.1016/j.cities.2021.103550]
- Chan, Y. E., Krishnamurthy, R., Mann, J., & Sabherwal, R. (2022). Public participation in policy making: Evidence from a citizen advisory panel. *Public Performance & Management Review*, 45(6), 1308-1345. [DOI:10.1080/15309576.2022.2062398]
- Clark, J. K. (2018). Designing public participation: Managing problem settings and social equity. *Public Administration Review*, 78(3), 362-374. [DOI:10.1111/puar.12872]
- Cohen, R. L. (1985). Procedural justice and participation. *Human Relations*, 38(7), 643-663. [DOI:10.1177/001872678503800703]
- Comber, M. K. (2003). *Civics curriculum and civic skills: Recent evidence*. Baltimore: Center for Information and Research on Civic Learning and Engagement (CIRCLE). [Link]
- Creighton, J. L. (2005). *The public participation handbook: making better decisions through citizen involvement*. Hoboken: Jossey-Bass. [Link]
- Dang, W. (2020). How culture shapes environmental public participation: Case studies of China, the Netherlands, and Italy. *Journal of Chinese Governance*, 5(3), 390-412. [DOI:10.1080/23812346.2018.1443758]
- Eckerd, A., & Heidelberg, R. L. (2019). Administering public participation. *American Review of Public Administration*, 50(2), 1-15. [DOI:10.1177/0275074019871368]
- Fathi, S. (2014). [Factors affecting citizens' participation in the management and development of Tehran's urban spaces (Persian)]. *Urban Sociological Studies*, 4(10), 143-164. [Link]
- Fazel, R., Mahram, B., Hosseingholizadeh, R., & Noghani Dokht Bahmani, M. (2022). [Critical study of patterns of participation in education and identification of overlooked structures in patterns (Persian)]. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(2), 147-159. [DOI:10.22059/jppolicy.2022.87952]
- Fazel, R., Mahram, B., Hosseingholizadeh, R., & Noghani Dokhtbahmani, M. (2021). [The position of participation and its dimensions in education of the Islamic Republic of Iran according to the documents (Persian)]. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 14(2), 13-46. [DOI:10.52547/MPES.14.2.13]

- Fetanat Fard Haghgighi, M., Zeinabadi, H. R., Arašteḥ, H., & Nave Ebrahim, A. (2021). [Designing a model of governance in higher education (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 11(38), 324-346. [Link]
- Fienitz, M., Busse, M., Fienitz, M., & Heiland, S. (2022). Analysing the impact of communication and public participation on the acceptability of Germany's Black Forest National Park. *Journal for Nature Conservation*, 67, 126155. [DOI:10.1016/j.jnc.2022.126155]
- Ghrbanizadeh, V., Motazedian, R., Hosseinpour, D., & Rahbar, A. A. (2021). [Designing a public participation pattern in policy making with a multi-method approach (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 11(39), 68-92. [Link]
- Ghorbanizadeh, V., Motazedian, R., Hossainpour, D., & Rahbar, A. (2021). [Exploring and explaining the drivers affecting the future of public participation in policy making (Persian)] *Majlis and Rahbord*, 28(107), 181-208. [DOI:10.22034/mr.2021.4107.4095]
- Gudowsky, N., & Bechtold, U. (2013). The role of information in public participation. *Journal of Public Deliveration*, 9(1), 1-35. [DOI:10.16997/jd.152]
- Hao, C., Nyaranga, M. S., & Hongo, D. O. (2022). Enhancing public participation in governance for sustainable development: Evidence from Bungoma County, Kenya. *Sage Open*, 12(1), 1-1. [DOI:10.1177/21582440221088855]
- Hoti, F., Perko, T., Thijssen, P., & Renn, O. (2021). Who is willing to participate? Examining public participation intention concerning decommissioning of nuclear power plants in Belgium. *Energy Policy*, 157, 112488. [DOI:10.1016/j.enpol.2021.112488]
- Huang, G. C., Chen, R. Y., & Park, B. B. (2021). Democratic innovations as a party tool: A comparative analysis of nuclear energy public participation in Taiwan and South Korea. *Energy Policy*, 153, 112251. [DOI:10.1016/j.enpol.2021.112251]
- Jamali, G., Nargesian, A., & Pirannejad, A. (2017). [Evaluation of transparency of governmental portals (ministries of Iran) (Persian)]. *Journal of Public Administration*, 9(1), 61-84. [DOI:10.22059/jipa.2017.230125.1964]
- Javadi Yegane, M., & Hashemi, S. Z. (2005). [The conflict between individual interest and collective interest (social dilemma) and factors affecting it (Persian)]. *Sociological Review*, 26(26), 141-173. [Link]
- Karimmian, Z., Mohammadi, M., Ghazinoori, S. S., & Zolfagharzadeh, M. M. (2019). [Classification of governance features through policy networks using meta-synthesis method (Persian)]. *Journal of Public Administration*, 11(3), 377-402. [DOI:10.22059/jipa.2019.284439.2581]
- Kamali, Y. (2017). [The methodology of meta synthesis and implications for public policy (Persian)]. *Political Quarterly*, 47(3), 721-736. [DOI:10.22059/jpq.2017.62861]
- Khatleli, N. (2019). *Public participation success factors in the implementation of mega projects: Gauteng province case study*. Paper presented at: ARCOM 2019 Conference, Leeds, UK, 4 September 2019. [Link]
- Li, Gen., Sun, F., Fu, B., Deng, L., Yang, K., & Liu, Y., et al. (2021). How to promote the public participation in eco-compensation in transboundary river basins: A case from planned behavior perspective. *Journal of Cleaner Production*, 313, 127911. [DOI:10.1016/j.jclepro.2021.127911]
- Ling, M., Xu, L., & Xiang, L. (2021). Social-contextual influences on public participation in incentive programs of household waste separation. *Journal of Environmental Management*, 281, 111914. [DOI:10.1016/j.jenvman.2020.111914] [PMID]
- Liu, B., Hu, Y., Wang, A., Yu, Z., Yu, J., & Wu, X. (2018). Critical factors of effective public participation in sustainable energy projects. *Journal of Management in Engineering*, 34(5), 04018029. [DOI:10.1061/(ASCE)ME.1943-5479.0000635]
- Liu, L., Bouman, T., Perlaviciute, G., & Steg, L. (2019). Effects of trust and public participation on acceptability of renewable energy projects in the Netherlands and China. *Energy Research and Social Science*, 53, 137-144. [DOI:10.1016/j.erss.2019.03.006]
- Lotfi, H., Daneshfard, C., & Mousakhani, M. (2020). [Comparative study of the role of NGOs in the public policy making in Iran and selected countries (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 10(36), 164-183. [Link]
- Luo, Z., Li, J., Wu, Z., Li, S., & Bi, G. (2022). Investigating the driving factors of public participation in public-private partnership (PPP) projects-A case study of China. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(9), 5192. [DOI:10.3390/ijerph19095192] [PMID] [PMCID]

- Matshe, P. F. A., & Pitsoe, V. J. (2013). Promotion of public participation in school environment. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(13), 643-651. [DOI:10.5901/mjss.2013.v4n13p643]
- May, A., & Ross, T. (2018). The design of civic technology: Factors that influence public participation and impact. *Ergonomics*, 61(2), 214-225. [DOI:10.1080/00140139.2017.1349939] [PMID]
- McDowell, R. L., & Magill, S. (1984). Sources and consequences of citizen attitudes toward government. *Public Administration Review*, 44, 152-158. [DOI:10.2307/975555]
- McGee, R. (2003). *Legal frameworks for citizen participation: Synthesis report*. São Paulo: LogoLink. [Link]
- Michels, A., & De Graaf, L. (2010). Examining citizen participation: Participatory policy making and democracy. *Local Government Studies*, 36(4), 477-491. [DOI:10.1080/03003930.2010.494101]
- Mohseni Kiasari, M., Mohammadi, M., Jafarnejad, A., Garousi Mokhtarzadeh, N., & Asadifard, R. (2017). [Classification of demand-based innovation policy tools using meta-synthesis approach (Persian)]. *Innovation Management Journal*, 6(2), 109-138. [Link]
- Mouter, N., Hernandez, J. I., & Itten, A. V. (2021). Public participation in crisis policymaking. How 30,000 Dutch citizens advised their government on relaxing COVID-19 lockdown measures. *Plos One*, 16(5), e0250614. [DOI:10.1371/journal.pone.0250614] [PMID] [PMCID]
- Nabatchi, T., & Leighninger, M. (2015). *Public participation for 21st century democracy*. Hoboken: John Wiley & Sons. [DOI:10.1002/9781119154815]
- Naidoo, C., & Ramphal, R. R. (2018). The factors that affect public participation for effective municipal service delivery: A case of ward committees. *South African Journal of Industrial Engineering*, 29(4), 82-93. [DOI:10.7166/29-4-1948]
- Navabakhsh, M., & Naemi, M. (2011). [An explanation of social factors affecting citizens' participation in the separation and collection of domestic waste, (case study: 13th municipality of Tehran) (Persian)]. *Urban Management Studies*, 1(1), 19-51. [Link]
- The White House President Barak Obama. (2011). Transparency and open government [Internet]. Retrieved from: [Link]
- Pagatpatan, C. P., & Ward, P. R. (2017). Understanding the factors that make public participation effective in health policy and planning: A realist synthesis. *Australian Journal of Primary Health*, 23(6), 516-530. [DOI:10.1071/PY16129] [PMID]
- Park, J., Butler, J. S., & Petrovsky, N. (2022). Understanding public participation as a mechanism affecting government fiscal outcomes: Theory and evidence from participatory budgeting. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 33(2), 375-389. [DOI:10.1093/jopart/nuac025]
- Perlaviciute, G. (2021). Contested climate policies and the four Ds of public participation: From normative standards to what people want. *WIREs Climate Change*, 13(1), e749. [DOI:10.1002/wcc.749]
- Pandey, P., & Sharma, A. (2021). Knowledge politics, vulnerability and recognition-based justice: Public participation in renewable energy transitions in India. *Energy Research & Social Science*, 71, 101824. [DOI:10.1016/j.erss.2020.101824]
- Postert, P., Wolf, A. E. M., & Schiewe, J. (2022). Integrating visualization and interaction tools for enhancing collaboration in different public participation settings. *ISPRS International Journal of Geo-Information*. 11(3), 156. [DOI:10.3390/ijgi11030156]
- Pourhasan, S., & Farajvand, E. (2019). [Surveying the role of social media on citizens' participation in the participatory budgeting process (Persian)]. *Journal of Public Administration*, 11(3), 355-376. [DOI:10.22059/jjpa.2019.271465.2446]
- Rajamani, L., & Peel, J. (2021). *The oxford handbook of international environmental law*. Oxford: Oxford University Press. [DOI:10.1093/law/9780198849155.001.0001]
- Razini, R., Azar, A., & Mohammadi, M. (2014). [Presentation an agile organization performance measurement model: An interpretive structural modeling approach (Persian)]. *Journal of Industrial Management Perspective*, 3(4), 87-109. [Link]
- Rezai, G., Shamsudin, M. N., Mohamed, Z., & Sharifuddin, J. (2014). Factor influencing public participation in urban agriculture in Malaysia. *International Journal of Social Science & Human Behavior Study*, 1(4), 55-58. [Link]

- Ríos, A. M., Benito, B., & Baštida, F. (2017). Factors explaining public participation in the central government budgeting process. *Australian Journal of Public Administration*, 76(1), 48-64. [DOI:10.1111/1467-8500.12197]
- Seyedi, S., Danacefard, H., Ganjali, A., & Khaef Elahi, A. (2020). [Designing a competency model for top public administrators with meta-synthesis (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 9(33), 54-79. [Link]
- Syahputra, I., & Ritonga, R. (2019). Citizen journalism and public participation in the era of new media in Indonesia: From Street to tweet. *Media and Communication*, 7(3), 79-90. [DOI:10.17645/mac.v7i3.2094]
- Rowe, G., & Frewer, L. J. (2000). Public participation methods: A framework for evaluation. *Science Technology Human Values*, 25(1), 3-29. [DOI:10.1177/016224390002500101]
- Schweizer, P. J., Renn, O., Köck, W., Bovet, J., Benighaus, C., & Scheel, O., et al. (2016). Public participation for infrastructure planning in the context of the German "Energiewende". *Utilities Policy*, 43(B), 206-209. jup.2014.07.005 [DOI:10.1016/j.jup.2014.07.005]
- Slack. (2022). Practices for managing information flows within organizations [Internet]. Retrieved from: [Link]
- Sharif Zadeh, F., & Sadeghi, J. (2009). [Determining influential factors on improving citizen Participation in urban affair administration (Persian)]. *Management Studies in Development and Evolution*, 19(59), 47-70. [Link]
- Shahriari, M. (2018). From tenure to facilitation in parent and teacher associations [Internet]. Retrieved from: [Link]
- Shybalkina, I. (2021). Toward a positive theory of public participation in government: Variations in New York City's participatory budgeting. *Public Administration*, 100(4), 841-858. [DOI:10.1111/padm.12754]
- Statistical Centre of Iran. (2022). [Detailed results of the workforce census plan in 2021 (Persian)]. Tehran: Statistical Centre of Iran. [Link]
- Streeter, R. (2018). What motivates people to participate in civil society? [Internet]. Retrieved from: [DOI:10.48558/EYZR-0K87]
- UNESCO. (2021). How citizens can engage in educational planning and policy [Internet]. Retrieved from: [Link]
- Xiao, J. (2019). Key Success factors for the public participation effect of old city reconstruction projects. *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering*, 603(5), 052034. [DOI:10.1088/1742-6596/1237/5/052034]
- Wagner, S. A., Vogt, S., & Kabst, R. (2016). The future of public participation: Empirical analysis from the viewpoint of policy-makers. *Technological Forecasting & Social Change*, 106, 65-73. [DOI:10.1016/j.techfore.2016.02.010]
- Wang, Y., Zhang, R., Worden, S., Cao, H., & Li, C. (2022). Public participation in environmental governance initiatives of chemical industrial parks. *Journal of Cleaner Production*, 305, 127092. [DOI:10.1016/j.jclepro.2021.127092]
- Warfield, J. N. (1974). Developing interconnected matrices in structural modelling. *IEEE Transcript on Systems, Men and Cybernetics*, 4(1), 81-87. [DOI:10.1109/TSMC.1974.5408524]
- Witkowski, K., Reyes, A. M., & Padilla, M. (2021): Teaching diversity in public participation through participatory research: A case study of the photovoice methodology. *Journal of Public Affairs Education*, 27(2), 218-237. [DOI:10.1080/15236803.2020.1858534]
- Webler, T., & Tuler, S. (2021). Four decades of public participation in risk decision making. *Risk analysis: An Official Publication of the Society for Risk Analysis*, 41(3), 503-518. [DOI:10.1111/risa.13250] [PMID]
- Wu, L., Jia, G., & Mackhaphonh, N. (2019). Case study on improving the effectiveness of public participation in public infrastructure megaprojects. *Journal of Construction Engineering and Management*, 145(4), 05019003. [DOI:10.1061/(ASCE)CO.1943-7862.0001623]
- Zakhour, S. (2019). The democratic legitimacy of public participation in planning: Contrasting optimistic, critical, and agnostic understandings. *Planning Theory*, 19(4), 1-22. [DOI:10.1177/1473095219897404]
- Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: A question of dialoguing with texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3), 311-318. [DOI:10.1111/j.1365-2648.2006.03721.x] [PMID]